



جمهوری اسلامی ایران
Islamic Republic of Iran

سازمان ملی استاندارد ایران

Iranian National Standardization Organization



استاندارد ملی ایران

۱۸۸۸۷-۱

چاپ اول

۱۳۹۳

INSO

18887-1

1st.Edition

2015

مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردها -
قسمت ۱ - الزامات کلی و مثال‌هایی از شیوه
ارائه

**Terminological entries in standards -
Part 1:
General requirements and examples of
presentation**

ICS:01.120 ; 01.020

به نام خدا

آشنایی با سازمان ملی استاندارد ایران

مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب بند یک ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن ماه ۱۳۷۱ تنها مرجع رسمی کشور است که وظیفه تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) ایران را به عهده دارد.

نام موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب یکصد و پنجاه و دومین جلسه شورای عالی اداری مورخ ۹۰/۶/۲۹ به سازمان ملی استاندارد ایران تغییر و طی نامه شماره ۲۰۶/۳۵۸۳۸ مورخ ۹۰/۷/۲۴ جهت اجرا ابلاغ شده است.

تدوین استاندارد در حوزه های مختلف در کمیسیون های فنی مرکب از کارشناسان سازمان، صاحب نظران مراکز و مؤسسات علمی، پژوهشی، تولیدی و اقتصادی آگاه و مرتبط انجام می شود و کوششی همگام با مصالح ملی و با توجه به شرایط تولیدی، فناوری و تجاری است که از مشارکت آگاهانه و منصفانه صاحبان حق و نفع، شامل تولیدکنندگان، مصرف کنندگان، صادرکنندگان و وارد کنندگان، مراکز علمی و تخصصی، نهادهای سازمان های دولتی و غیر دولتی حاصل می شود. پیش نویس استانداردهای ملی ایران برای نظرخواهی به مراجع ذی نفع و اعضای کمیسیون های فنی مربوط ارسال می شود و پس از دریافت نظرها و پیشنهادات در کمیته ملی مرتبط با آن رشته طرح و در صورت تصویب به عنوان استاندارد ملی (رسمی) ایران چاپ و منتشر می شود.

پیش نویس استانداردهایی که مؤسسات و سازمان های علاقه مند و ذی صلاح نیز با رعایت ضوابط تعیین شده تهیه می کنند در کمیته ملی طرح و بررسی و در صورت تصویب، به عنوان استاندارد ملی ایران چاپ و منتشر می شود. بدین ترتیب، استانداردهایی ملی تلقی می شوند که بر اساس مفاد نوشته شده در استاندارد ملی ایران شماره ۵ تدوین و در کمیته ملی استاندارد مربوط که سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل می دهد به تصویب رسیده باشد.

سازمان ملی استاندارد ایران از اعضای اصلی سازمان بین المللی استاندارد (ISO)^۱، کمیسیون بین المللی الکتروتکنیک (IEC)^۲ و سازمان بین المللی اندازه شناسی قانونی (OIML)^۳ است و به عنوان تنها رابط^۴ کمیسیون شناسهکس غذایی (CAC)^۵ در کشور فعالیت می کند. در تدوین استانداردهای ملی ایران ضمن توجه به شرایط کلی و نیازمندی های خاص کشور، از آخرین پیشرفت های علمی، فنی و صنعتی جهان و استانداردهای بین المللی بهره گیری می شود.

سازمان ملی استاندارد ایران می تواند با رعایت موازین پیش بینی شده در قانون، برای حمایت از مصرف کنندگان، حفظ سلامت و ایمنی فردی و عمومی، حصول اطمینان از کیفیت محصولات و ملاحظات زیست محیطی و اقتصادی، اجرای بعضی از استانداردهای ملی ایران را برای محصولات تولیدی داخل کشور و/یا اقلام وارداتی، با تصویب شورای عالی استاندارد، اجباری نماید. سازمان می تواند به منظور حفظ بازارهای بین المللی برای محصولات کشور، اجرای استانداردهای کالاهای صادراتی و درجه بندی آن را اجباری نماید. همچنین برای اطمینان بخشیدن به استفاده کنندگان از خدمات سازمان ها و مؤسسات فعال در زمینه مشاوره، آموزش، بازرسی، ممیزی و صدور گواهی سامانه های مدیریت کیفیت و مدیریت زیست محیطی، آزمایشگاه ها و مراکز کالیبراسیون (واسنجی) وسایل سنجش، سازمان ملی استاندارد ایران این گونه سازمان ها و مؤسسات را بر اساس ضوابط نظام تأیید صلاحیت ایران ارزشیابی می کند و در صورت احراز شرایط لازم، گواهینامه تأیید صلاحیت به آن ها اعطا و بر عملکرد آن ها نظارت می کند. ترویج دستگاه بین المللی یکاها، کالیبراسیون (واسنجی) وسایل سنجش، تعیین عیار فلزات گرانبها و انجام تحقیقات کاربردی برای ارتقای سطح استانداردهای ملی ایران از دیگر وظایف این سازمان است.

1- International Organization for Standardization

2 - International Electrotechnical Commission

3- International Organization of Legal Metrology (Organisation Internationale de Metrologie Legale)

4 - Contact point

5 - Codex Alimentarius Commission

کمیسیون فنی تدوین استاندارد

« مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردها - قسمت ۱ - الزامات کلی و مثال‌هایی از شیوه‌ارائه »

رئیس:

سیفی، مهوش

(کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

دبیر:

حسینی، اقدس

(کارشناس ارشد مدیریت دولتی)

سمت و / یا نمایندگی

کارشناس استاندارد

کارشناس استاندارد

اعضاء: (اسامی به ترتیب حروف الفبا)

تفسیری، ملیحه

(کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی)

پژوهشگر گروه واژه‌گزینی - فرهنگستان

زبان و ادب فارسی

رئیس کتابخانه - وزارت نیرو

خوانساری، جیران

(دکترای علم اطلاعات و دانش)

عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب

فارسی

رضوی، محمدرضا

(دکترای زبان شناسی)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری

اطلاعات ایران

سمائی، سید مهدی

(دکترای زبان شناسی)

کارشناس تدوین - پژوهشگاه

استاندارد

صالحی، مریم

(کارشناس ارشد زبان شناسی)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی

صفارمقدم، احمد

(دکترای ادبیات فارسی)

عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه

ملی جمهوری اسلامی ایران

صمیعی، میترا

(دکترای علم اطلاعات و دانش)

کارشناس - سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

ضرغامی، زهرا

(کارشناس ارشد زبان انگلیسی)

معاون مدیر کل روابط عمومی و ارتباطات
بین الملل - سازمان ملی استاندارد ایران

عرفانیان تقوایی، فاطمه
(کارشناس زبان انگلیسی)

معاون اسناد ملی - سازمان اسناد و کتابخانه
ملی جمهوری اسلامی ایران

عزیزی، غلامرضا
(کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی)

کارشناس کتابداری - سازمان ملی استاندارد
ایران

علائی طالقانی، آزاده
(کاردان مدیریت بازرگانی)

رئیس گروه اسناد الکترونیکی - سازمان
اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی
ایران

کرمی، مینا
(کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش)

رئیس کتابخانه - سازمان ملی استاندارد
ایران

کشاورزی، ساره
(کارشناس علم اطلاعات و دانش)

عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب
فارسی

نشاط مبینی تهرانی، مهنوش
(دکترای مترجمی زبان انگلیسی)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
ب	آشنایی با سازمان ملی استاندارد
ج	کمیسیون فنی تدوین استاندارد
و	پیش‌گفتار
ز	مقدمه
۱	۱ هدف و دامنه کاربرد
۱	۲ مراجع الزامی
۲	۳ اصطلاحات و تعاریف
۱۲	۴ آماده‌سازی مدخل‌های اصطلاح‌شناسی
۱۲	۴-۱ اصول کلی
۲۲	۵ سازمان‌دهی و ساختار مدخل‌های اصطلاح‌شناختی و رده‌های داده‌های آنها در استانداردها
۲۲	۵-۱ سازمان‌دهی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی
۲۵	۶ الزامات تدوین محتوا و نگارش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی
۲۵	۶-۱ شماره مدخل
۳۷	۷ نمایه‌ها
۴۰	پیوست الف (اطلاعاتی) مثال‌های چیدمان، ارائه و نگارش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مطابق با این استاندارد
۶۶	پیوست ب (اطلاعاتی) کتاب‌نامه

پیش‌گفتار

استاندارد «مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردها- قسمت ۱- الزامات کلی و مثال‌هایی از شیوه‌ارائه» که پیش‌نویس آن در کمیسیون‌های مربوط توسط سازمان ملی استاندارد ایران تهیه و تدوین شده و در یکصد و پنجاهمین اجلاس کمیته ملی استاندارد مدارک و تجهیزات اداری و آموزشی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ مورد تصویب قرار گرفته است، اینک به استناد بند یک ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن ماه ۱۳۷۱، به عنوان استاندارد ملی ایران منتشر می‌شود. برای حفظ همگامی و هماهنگی با تحولات و پیشرفت‌های ملی و جهانی در زمینه صنایع، علوم و خدمات، استانداردهای ملی ایران در مواقع لزوم تجدید نظر خواهد شد و هر پیشنهادی که برای اصلاح و تکمیل این استانداردها ارائه شود، هنگام تجدید نظر در کمیسیون فنی مربوط مورد توجه قرار خواهد گرفت. بنابراین، باید همواره از آخرین تجدیدنظر استانداردهای ملی استفاده کرد.

منبع و ماخذی که برای تدوین این استاندارد مورد استفاده قرار گرفته به شرح زیر است:

ISO10241-1: 2011, Terminological entries in standards - Part 1: General requirements and examples of presentation

مقدمه

برای اطمینان از ایجاد ارتباط مؤثر در یک حوزه خاص و به حداقل رساندن سوء تفاهم‌ها، بسیار ضروری است که اعضای شرکت‌کننده از مفاهیم و ارائه‌های مفهومی یکسانی استفاده کنند. بنابراین، استانداردسازی اصطلاحات و تعاریف امری بنیادی برای تمام فعالیت‌های استانداردسازی است.

واژه‌گزینی باید رویکردی چندزبانه داشته باشد، تا ارتباط در علم و فناوری، ارتباط میان فرهنگی، تبادل کالاها و خدمات، شکل‌گیری سیاست‌ها و راهکارها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آسان شود. حتی هنگامی که برون‌داد اولیه استانداردسازی، مدخل‌های اصطلاح‌شناختی یک‌زبانه باشد و حتی در کشورهایی که فقط یک زبان رسمی وجود دارد، گاهی نهاد استانداردسازی به دلایل مذکور مدخل‌های چندزبانه تهیه می‌کند.

این نهاد اغلب اصطلاحات و تعاریف را برای استاندارد کردن برمی‌گزیند و نتایج را به عنوان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها منتشر می‌کند. این استاندارد، که براساس اصول و روش‌های استاندارد ISO 704 تنظیم شده است، قواعدی را برای شیوه نگارش و ساختار چنین مدخل‌هایی تهیه می‌کند.

مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردها- قسمت ۱- الزامات کلی و مثال‌هایی از شیوه‌ارائه

۱ هدف و دامنه کاربرد

هدف از تدوین این استاندارد تعیین الزامات نگارش و ساختاربندی مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در استانداردهای ملی است و با آوردن مثال‌هایی از مدخل‌های اصطلاح‌شناسی در مدارک ISO/IEC آن را توضیح می‌دهد. اصطلاحات و دیگر بازنمودهایی که در مدخل‌های اصطلاح‌شناسی دیده می‌شوند، ممکن است شامل حروف، اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نحوی (مانند علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف وصل و فصل) گاهی به صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم برجسته، مورب، مورب برجسته، یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت‌تأثیر قواعد زبان یا حوزه تخصصی قرار می‌گیرند. اصطلاحات هم‌چنین می‌توانند شامل نمادهای استاندارد باشند (که یا مستقل از زبان هستند یا نمادهای هماهنگ‌شده بین‌المللی مانند نمادهای کمیت‌ها و یکاها و نیز نمادهای نگاشتاری). این استاندارد براساس اصول و روش‌هایی تنظیم شده است که در استاندارد ISO 704 به آن اشاره شده است و قواعدی را برای مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها و نمایه‌های آنها ارائه می‌دهد.

یادآوری ۱- به دلیل الزامات ویژه‌ای، قواعد مدون در پیوست الف راهنمای ISO/IEC Directives گاهی با قواعدی که در این استاندارد آمده است، تفاوت دارد.

این استاندارد برای تمام استانداردهایی که مدخل‌های اصطلاح‌شناختی دارند، کاربرد دارد. این بخش درمورد آیین‌نامه‌های اداری یا مشخصات فنی که مورد نیاز نهادهای استانداردهای استانداردسازی برای آماده‌سازی استانداردهای اصطلاح‌شناسی است، کاربرد ندارد.

یادآوری ۲- آیین‌نامه‌های اداری برای آماده‌سازی استانداردها برای نهادهای استانداردسازی مشخص و خاص هستند. برای نمونه در ISO/IEC این قواعد در راهنمای ISO/IEC Directives قسمت اول آمده است.

قواعد ارائه و چیدمان طبیعتاً به خط و قوانین چاپ نهاد استانداردسازی مربوط است. مثال‌ها و قوانین یک چیدمان معمول و شیوه‌نمایش آنها در مدارک، در پیوست الف ارائه شده است.

۲ مراجع الزامی

مدارک الزامی زیر حاوی مقرراتی است که در متن این استاندارد ملی ایران به آنها ارجاع داده شده است. بدین ترتیب آن مقررات جزئی از این استاندارد ملی ایران محسوب می‌شود. در صورتی که به مدرکی با ذکر تاریخ انتشار ارجاع داده شده باشد اصلاحیه‌ها و تجدیدنظرهای بعدی آن موردنظر این استاندارد ملی ایران نیست. در مورد مدارکی که بدون ذکر تاریخ انتشار به آن‌ها ارجاع داده شده است، همواره آخرین تجدیدنظر و اصلاحیه‌های بعدی آن‌ها موردنظر است.

استفاده از مراجع زیر برای این استاندارد الزامی است:

- 2-1 ISO 639 (all parts), Codes for the representation of names of languages
- 2-2 ISO 704, Terminology work — Principles and methods
- 2-3 ISO 860, Terminology work — Harmonization of concepts and terms
- 2-4 ISO 3166 (all parts), Codes for the representation of names of countries and their subdivisions
- 2-5 ISO 15924, Information and documentation — Codes for the representation of names of scripts

۳ اصطلاحات و تعاریف

در این استاندارد اصطلاحات و تعاریف زیر به کار می‌رود:

در گزینش و شکل‌گیری مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در این بند اولویت با آنهایی است که برای همگان قابل فهم باشند. بنابراین، اصطلاحات روزمره (که نیازی به توضیح ندارند) در این بند نیامده‌اند. مدخل‌های اصطلاح‌شناختی بنا به ضرورت اصلاح شده‌اند تا نیازهای گروه هدف را در این استاندارد برطرف کنند. این اصلاحات پس از منبع به صورت «تصحیح‌شده» مشخص می‌شوند.

بیشتر مدخل‌های این استاندارد از استانداردهای دیگر گرفته شده‌اند، از این‌رو، نظام‌های مفهومی کاملی از آنها ارائه نشده است و مدخل‌های اصطلاح‌شناختی با ترتیب آمیخته ارائه شده‌اند.

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی براساس قواعد سازمان بین‌المللی استانداردسازی ISO برای استانداردهای اصطلاح‌شناسی (که در پیوست الف درج شده است) و نیز براساس حوزه‌ی مربوط شکل گرفته است. از این‌رو، اصطلاحات ارجاعی با قلم مورب متمایز شده‌اند و با شماره‌ی مدخل خود یا با ذکر منبع خود (درمورد اصطلاحاتی که در استاندارد دیگر تعریف شده‌اند) در این استاندارد درج شده است.

اصطلاحات ارجاعی که اگر در همان استاندارد یا استاندارد دیگری به تصویب نهایی رسیده باشند، در اولین نمایش به صورت مورب نوشته می‌شوند.

۱-۳

استانداردسازی اصطلاحات و تعاریف

۱-۱-۳

استاندارد اصطلاحات^۱

استانداردی که به اصطلاحات (۳-۴-۱-۱-۲) همراه با تعاریف (۳-۴-۲-۱) آنها و گاهی یادآوری‌های توضیحی، تصاویر، مثال‌ها و جز آن می‌پردازد.

[منبع: (بند ۵-۲، ISO/IEC Guide 2:2004) تصحیح‌شده- با حذف واژه «معمولاً» پیش از «همراه با تعاریف آنها» این مدخل در این استاندارد با دیگر اصطلاحات و تعاریف سازگار شده است.]

۲-۱-۳

مدخل اصطلاح‌شناختی^۱

بخشی از مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی (بند ۲-۲۱، استاندارد ISO 1087-2:2000) که شامل داده‌های اصطلاح‌شناختی (۳-۱-۳) مربوط به یک مفهوم (۱-۲-۳) می‌شود.

یادآوری ۱- مدخل اصطلاح‌شناختی براساس اصول و روش‌های استاندارد ISO 704 تهیه می‌شود.

[منبع: (بند ۳-۸-۲، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح‌شده- یادآوری ۱ به مدخل افزوده شده است.]

۳-۱-۳

داده اصطلاح‌شناختی^۲

داده‌ای که مربوط به مفاهیم (۱-۲-۳) یا بازنمودهای^۳ (۱-۱-۱-۴-۳) آنها می‌شود.

[منبع: (بند ۳-۸-۱، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح‌شده- یادآوری برای داده اصطلاح‌شناختی حذف شده است.]

۴-۱-۳

رده داده^۴

رده‌ای که با طبقه‌بندی گونه خاص داده اصطلاح‌شناختی (۳-۱-۳) به دست می‌آید.

[منبع: (بند ۶-۱۴، استاندارد ISO 1087-2:2000) تصحیح‌شده- برای سازگاری با این استاندارد «گونه خاص داده اصطلاح‌شناختی» جایگزین «حوزه داده مربوطه» شد. اصطلاح مجاز «گونه عنصر داده» اضافه نشده است.]

۲-۳

مفاهیم و آرایش آنها

۱-۲-۳

مفهوم^۵

واحدی از دانش که از ترکیب منحصربه‌فرد مشخصات (بند ۳-۲-۴، استاندارد ISO 1087-1:2000) پدید آمده است.

یادآوری - مفاهیم ضرورتاً به یک زبان خاص محدود نمی‌شوند. بنابراین، تحت تأثیر پیشینه اجتماعی یا فرهنگی قرار می‌گیرند که اغلب به رده‌بندی‌های گوناگون منجر می‌شود.

-
- 1-Terminological entry
 - 2-Terminological data
 - 3-Designations
 - 4-Data category
 - 5-Concept

۲-۲-۳

حوزه مفهومی^۱

مجموعه‌ای نامنظم از مفاهیمی (۱-۲-۳) که از نظر مضمون به یکدیگر مربوط می‌شوند.

یادآوری - حوزه‌های مفهومی می‌توانند نقطه آغازی برای ایجاد نظام‌های مفهومی باشند.

۳-۲-۳

نظام مفهومی^۲

نظام مفاهیم

شبکه‌ای از مفاهیم (۱-۲-۳) که براساس روابط میان مفاهیم شکل گرفته‌است.

۴-۲-۳

ترتیب نظام‌مند^۳

آرایش نظام‌مند

ترتیب مدخل‌های اصطلاح‌شناختی (۲-۱-۳) که براساس نظام مفهومی (۳-۲-۳) است.

[منبع: (بند ۳-۷-۹، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح شده- عبارت «ابرساختاری که در آن مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در یک نظم قرار می‌گیرند» به شکل «ترتیب مدخل‌های اصطلاح‌شناختی براساس» ساده شده است. در این استاندارد، «ترتیب نظام‌مند» به عنوان اصطلاح مرجح و «آرایش نظام‌مند» به عنوان اصطلاح مجاز مشخص شده است.]

۵-۲-۳

ترتیب آمیخته^۴

آرایش آمیخته

ترتیب مدخل‌های اصطلاح‌شناختی (۲-۱-۳) براساس نظام مفهومی (۳-۲-۳) که مطابق با اولویت کاربردی آن است.

[منبع: (بند ۳-۷-۱۲، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح شده- تعریف «ابرساختاری که در آن مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در قسمت‌های منظم مضمونی یا نظامی به شکل الفبایی قرار می‌گیرند» تغییر کرده است، زیرا مدخل‌های اصطلاح‌شناختی رویکردی مفهوم- بنیاد دارند و با نظم زبان‌ویژه شکل نگرفته‌اند. در این استاندارد «ترتیب آمیخته» اصطلاح مرجح و «آرایش آمیخته» اصطلاح مجاز است.]

-
- 1-Concept field
 - 2-Concept system
 - 3-Systematic order
 - 4-Mixed order

۶-۲-۳

ترتیب زبان ویژه^۱

ترتیب مدخل‌های اصطلاح‌شناختی (۳-۱-۲) که براساس قراردادهای خاص ترتیب در یک زبان یا خط (۳-۴-۲-۴) مرتب شده است.

۳-۳

حوزه و موضوع^۲

۱-۳-۳

حوزه

حوزه موضوعی

حوزه دانش خاص

یادآوری ۱- مرزهای حوزه براساس دیدگاهی هدفمند تعیین می‌شوند.

یادآوری ۲- محدوده حوزه در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردها معمولاً براساس «طبقه‌بندی بین‌المللی استانداردها» یا ICS^۳ است. اگر ICS در یک مورد مشخص مناسب نباشد، حوزه یا موضوع باید برای بیان یک هدف، کاربرد و الزامات خاص انتخاب شود.

یادآوری ۳- اگر حوزه تقسیم بندی شود، زیرشاخه‌ها نیز حوزه‌ای با جزئیات بیشتر محسوب می‌شوند.

یادآوری ۴- در استاندارد بین‌المللی الکتروتکنیک IEC اطلاعات کاربردی مربوط به استفاده خاص اصطلاح می‌تواند مکمل آن باشد اما همان‌گونه که در این استاندارد شرح داده شده است، ضرورتاً حوزه یا موضوع آن نیست. برای اطلاعات بیشتر به پیوست الف راهنمای ISO/IEC Directives مراجعه شود.

[منبع: (بند ۳-۱-۲، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح شده- در این استاندارد «حوزه» اصطلاح مرجع و «حوزه موضوعی» اصطلاح مجاز است. یادآوری یک تا چهار افزوده شده است.]

۲-۳-۳

موضوع

عنوانی کلی که در گفتگو، مطالعه، نوشتن، نقاشی کردن و جزآن به کار می‌رود.

یادآوری ۱- موضوع ممکن است یک یا دو حوزه را دربرگیرد.

یادآوری ۲- اگر موضوع تقسیم‌بندی شود، زیرشاخه‌ها نیز به عنوان موضوعی با جزئیات بیشتر محسوب می‌شوند.

-
- 1-Language-specific order
 - 2-Domain and subject
 - 3- International Classification for Standards

[منبع: وبستر، فرهنگ زبان انگلیسی جامع جدید، ۱۹۷۲، ص ۱۸۱۳. تصحیح شده- در تعریف ذکر «عنوان کلی» موجب شفاف تر شدن معنی کلمه «موضوع» در زبان عمومی شده است. یادآوری ۱ برای مدخل به منظور ایجاد تمایز میان «موضوع» و «حوزه» افزوده شده است.]

۴-۳

ارائه مفاهیم

۱-۴-۳

بازنمودها

۱-۱-۴-۳

اصطلاحات، نمادها و نامها

۱-۱-۱-۴-۳

بازنمود^۱

نمایش یک مفهوم (۱-۲-۳) با نشانه‌ای که بر آن دلالت دارد.

یادآوری ۱- در اصطلاح‌شناسی سه نوع بازنمود از هم متمایز شده‌اند: اصطلاحات، نمادها و نامها.

یادآوری ۲- بازنمودها می‌توانند کلامی، غیر کلامی یا ترکیبی از هر دو باشند.

[منبع: (بند ۱-۴-۳)، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح شده- اصطلاح مجاز «بازنمود» حذف شده است. یادآوری ۲ افزوده شده است.]

۲-۱-۱-۴-۳

اصطلاح^۲

بازنمود (۱-۱-۱-۴-۳) کلامی یک مفهوم کلی (بند ۳-۲-۳)، استاندارد ISO 1087-1:2000) در یک حوزه (۱-۳-۳) خاص یا موضوع (۲-۳-۳) است.

یادآوری ۱- اصطلاحات می‌توانند شامل کلمات یا نمادهای کلمات، اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (یعنی علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف فصل یا وصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم برجسته، مورب، مورب برجسته یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت تأثیر قواعد حوزه، موضوع یا زبان ویژه قرار می‌گیرند.

یادآوری ۲- یک اصطلاح می‌تواند صورت‌های گوناگون از جمله صورت متفاوت نوشتاری داشته باشد.

یادآوری ۳- اصطلاحات ممکن است کاملاً پیچیده، شامل دو ریشه یا بیشتر و دو کلمه یا بیشتر باشند.

یادآوری ۴- چندین اصطلاح در یک زبان معین که بیانگر مفهوم واحدی باشند، اصطلاحات مترادف به شمار می‌روند. اصطلاحاتی که در زبان‌های گوناگون بیانگری مفهوم واحدی هستند، اصطلاحات معادل به شمار می‌روند (معادل‌ها).

1-Designation

2-Term

منبع: در تعریف برای سازگاری با این استاندارد «حوزه یا موضوع» جایگزین «حوزه موضوعی» شده است و نکات ذکر شده (با حفظ مضمون) برای افزودن اطلاعات بیشتر به سه یادآوری تقسیم شده است. یادآوری ۴ اضافه شده است.]

۳-۱-۱-۴-۳

نماد^۱

بازنمودی که (۳-۱-۱-۴-۳) شامل نمادهای حروف، نمادهای نگاشتاری یا انواع دیگر نمادها است.

یادآوری ۱- نمادها می‌توانند متفاوت باشند. (به مثال‌های ۳-۱-۱-۴-۳-۵ مراجعه شود).

یادآوری ۲- نمادها می‌توانند وضعیت الزامی داشته باشند، مانند مرجح، مجاز یا منسوخ.

یادآوری ۳- اگر دو یا چند نماد مفهوم واحدی را نشان دهند، افزودن اطلاعات کاربردی به این نمادها مفید است.

۴-۱-۱-۴-۳

نماد حرفی^۲

نمادی (۳-۱-۱-۴-۳) که از یک یا چند حرف تشکیل می‌شود تا کارکردهای ارتباطی خاصی را در حوزه یک گروه تخصصی بیان کند.

مثال: نمادهای بین‌المللی برای کمیت‌ها و واحدها در استانداردهای IEC 80000، ISO 80000 و IEC 60027 مشخص شده‌اند.

یادآوری ۱- نمادهای حرفی مانند برخی از نمادهای بین‌المللی کمیت‌ها و واحدها وجود دارند که شبیه صورت‌های اختصاری، نام خاص کمیت یا یکا هستند، اما نمادها کارکردهای ارتباطی بیشتری دارند. نمادهای حرفی پیچیده هم‌چنین می‌تواند شامل اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (یعنی علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف وصل و فصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم برجسته، مورب، مورب برجسته یا شیوه‌های دیگر) باشند که تحت تأثیر قواعد حوزه، موضوع یا زبان ویژه قرار می‌گیرند.

یادآوری ۲- نمادهای حرفی می‌توانند در نمایه‌ها براساس قوانین زبان‌شناختی منظم شوند (اگر نیاز باشد به صورت جداگانه بیابند). نمادهای نگاشتاری از این قواعد مستثنی هستند.

۵-۱-۱-۴-۳

نمادهای نگاشتاری^۳

شکلی قابل فهم با معنی ویژه‌ای که برای انتقال اطلاعات مستقلی از زبان به کار می‌رود.

-
- 1-Symbol
 - 2-Letter symbol
 - 3-Graphical symbol

مثال: نماد نگاشتاری با دوگونه متفاوت ☺ ☹

یادآوری ۱- نمادهای نگاشتاری شامل طیفی از نشانه‌های شکلی قراردادی (بی ارتباط با مفهومی که بر آن اطلاق می‌شوند) از طریق تصاویر کمابیش انتزاعی اشیائی که به آنها ارجاع می‌شود (مانند نمادهای همگانی یا نمادهای ایمنی، نقشک‌هایی مانند آنچه در فناوری اطلاعات به کار می‌رود) تا نمایش‌های کاملاً ملموس از اشیائی که به آنها ارجاع می‌شود.
یادآوری ۲- نمادهای نگاشتاری می‌توانند شامل داده‌های زبانی داخل و یا خارج از مؤلفه‌های نگاره‌ای (مانند برخی علائم راهنمایی و رانندگی) باشند.

[منبع: (بند ۳-۱، استاندارد ISO 7001:2007) تصحیح‌شده- یادآوری‌ها افزوده شده‌اند.]

۳-۴-۱-۱-۶

نام^۱

اسم^۲

بازنمود (۳-۴-۱-۱-۶) زبانی یک مفهوم جداگانه (بند ۳-۲-۲، استاندارد ISO 1087-1:2000) است.

مثال ۱: نشان حرفی π نمایانگر مقدار تناسب میان محیط دایره و وتر آن است.

مثال ۲: « سیورت » ، واحد مشتق شده SL مترادفی است برای «مقدار مشابه» (استاندارد ISO 80000-10:2009 ، الف ۱۰-۸۶).

یادآوری ۱- نام می‌تواند بخشی از یک اصطلاح باشد، مانند عدد رینولدز بحرانی

[منبع: (بند ۳-۴-۲، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح شده- مثال‌ها و نکته افزوده شده است.]

۳-۴-۱-۲

انواع و صورت‌های یک اصطلاح

۳-۴-۱-۲-۱

اصطلاح قرضی^۲

اصطلاحی (۳-۴-۱-۲-۱) که از زبان، حوزه (۳-۳-۱) یا موضوع (۳-۳-۲) دیگری گرفته شده باشد.

[منبع: (بند ۳-۴-۶، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح‌شده- در تعریف برای سازگاری با این استاندارد، «حوزه یا موضوع» جایگزین «حوزه موضوعی» شده است.

1-Appellation

2-Name

3-Borrowed term

۲-۲-۱-۴-۳

گونه^۱

واژه‌گزینی یکی از شکل‌های انتخابی بازنمود (۱-۱-۱-۴-۳) می‌باشد.

مثال ۱: گونه‌های اصطلاحات هم‌نشین و هم‌نشین طهران تهران



مثال ۲: گونه‌های نگاره‌ای بازیافتی

[منبع: (بند ۳-۴۶، استاندارد ایزو ISO 24613:2008) تصحیح‌شده- در تعریف برای سازگاری با این استاندارد «بازنمود» جایگزین «تک‌واژه» شده است. مثال‌های ۱ و ۲ افزوده شده است.]

۳-۲-۱-۴-۳

صورت کامل^۲

نمایش کامل یک بازنمود (۱-۱-۱-۴-۳) است.

مثال: CD → compact disc

۴-۲-۱-۴-۳

صورت کوتاه‌نوشت^۳

نمایش یک بازنمود (۱-۱-۱-۴-۳) که در نتیجه حذف بخشی از یک صورت کامل (۳-۲-۱-۴-۳) به وجود می‌آید.

مثال: compact disc کوتاه‌نوشت

یادآوری- برای برخی صورت‌های کامل ممکن است دو یا چند صورت کوتاه‌نوشت وجود داشته باشد. مانند World Wide Web که به دو صورت "W3" و "WWW" دیده می‌شود.

۳-۱-۴-۳

وضعیت الزامی^۴

در استانداردسازی واژگان، درجه‌بندی مربوط به کاربرد یک بازنمود (۱-۱-۱-۴-۳) در یک مدخل اصطلاح‌شناختی (۲-۱-۳) است که نهاد استانداردسازی آن را استاندارد کرده باشد.

1-Variant

2-Full form

3-Abbreviated form

4-Normative status

یادآوری- وضعیت الزامی یک اصطلاح یکی از سه گونه زیر است: اصطلاح مرجح، اصطلاح مجاز و اصطلاح منسوخ. برای هر یک از این سه گونه می‌توان بیش از یک اصطلاح داشت. براین قیاس، وضعیت الزامی برای نمادها و نامها به کار می‌رود.

۱-۳-۱-۴-۳

اصطلاح مرجح^۱

در استانداردسازی واژگان، اصطلاحی (۲-۱-۱-۴-۳) که نهاد استانداردسازی آن را به عنوان اصطلاح اولیه برای یک مفهوم (۱-۲-۳) معین در نظر گرفته است.

یادآوری- می‌توان بیش از یک اصطلاح مرجح داشت. اگر در یک مدخل اصطلاح‌شناختی یک استاندارد، فقط یک اصطلاح بیانگر مفهوم باشد، این اصطلاح به طور خودکار اصطلاح مرجح به شمار می‌رود. براین قیاس، نمادها و نامها نیز می‌توانند اصطلاح مرجح باشند.

[منبع: (بند ۳-۴-۱۵، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح‌شده- حذف «براساس درجه میزان پذیرش اصطلاح» در تعریف و افزودن «به وسیله نهاد استانداردسازی» بدون ایجاد تغییر در کل تعریف، مطلب را برای گروه هدف قابل فهم‌تر کرد. به‌علاوه، یادآوری نیز افزوده شده است.]

۲-۳-۱-۴-۳

اصطلاح مجاز^۲

در استانداردسازی واژگان، اصطلاح (۲-۱-۱-۴-۳) مترادفی برای اصطلاح مرجح (۱-۳-۱-۴-۳) است اما در استانداردسازی آن را به عنوان یک اصطلاح مرجح به شمار نمی‌آورند.

یادآوری ۱- ممکن است بیش از یک اصطلاح مجاز وجود داشته باشد. براین قیاس، نمادها و نامها نیز می‌توانند اصطلاح «مجاز» باشند.

یادآوری ۲- به دلیل قابل فهم نبودن تعریف «اصطلاح مجاز» مندرج در بند ۳-۴-۱۶، استاندارد ISO 1087-1:2000 برای گروه هدف این استاندارد، تعریف «اصطلاح مجاز» بدون تغییر در محتوای تعریف اصلی بازنویسی شده است.

۳-۳-۱-۴-۳

اصطلاح منسوخ^۳

در استانداردسازی واژگان، اصطلاح (۲-۱-۱-۴-۳) مترادفی برای اصطلاح مجاز (۱-۳-۱-۴-۳) است اما در استانداردسازی اصطلاح نامطلوب به شمار می‌آید.

1-Preferred term
2-Admitted term
3-Deprecated term

یادآوری ۱- ممکن است بیش از یک اصطلاح منسوخ وجود داشته باشد. براین قیاس، نمادها و نامها نیز می‌توانند اصطلاح «منسوخ» باشند.

یادآوری ۲- به دلیل قابل فهم نبودن تعریف «اصطلاح منسوخ» مندرج در بند ۳-۴-۱۷، استاندارد ISO 1087-1:2000 برای گروه هدف این استاندارد، تعریف «اصطلاح منسوخ» بدون تغییر در محتوای تعریف اصلی بازنویسی شده است.

۴-۱-۴-۳

هم‌نویسه^۱

بازنمودی (۳-۴-۱-۱-۱) که از نظر نوشتاری همانند بازنمود دیگری است که مفهومی (۳-۲-۱) متفاوت را بیان می‌کند.

مثال ۱: اصطلاح هم‌نویسه «شیر» در متون مختلف معانی گوناگونی دارد.

مثال ۲: نماد نگاشتاری هم‌نویسه^۱ ↑ (در فرودگاه یا ایستگاه قطار) ممکن است معنای بالا (در پله‌برقی) یا مستقیم بدهد. این معنا بسته به محیط اطراف متفاوت است.

۵-۱-۴-۳

متضاد^۲

اصطلاحی (۳-۴-۱-۱-۲) که در یک زبان معین بیانگر مفهومی (۳-۲-۱) مخالف اصطلاح دیگری در همان زبان است.

مثال ۱: رمزگذاری و رمزگشایی.

مثال ۲: مثبت و منفی.

یادآوری- برخی از جفت‌های متضاد در چندین زبان مشترک هستند، درحالی‌که بعضی دیگر وابسته به زبان خود هستند. [«متضاد» در بند ۳-۴-۲۰، استاندارد ISO 1087-1:2000 تعریف شده است.]

۲-۴-۳

توصیف مفهوم^۳

۱-۲-۴-۳

تعریف

نمایش یک مفهوم (۳-۲-۱) با بیانی توصیفی که باعث می‌شود از مفاهیم مرتبط مجزا شود.

1-Homograph
2-Antonym
3-Concept description

یادآوری - معمولاً یک نمایش غیرکلامی می‌تواند تعریف را کامل کند ولی نمی‌تواند جایگزین آن شود. با وجود این، در حوزه‌ها و موضوع‌های خاصی، یعنی در یک نظام فرمولی مرتبط با یکدیگر، نمایش‌های غیرکلامی قاعداً به جای بیان توصیفی به کار می‌روند.

[منبع: (بند ۳-۳-۱، استاندارد ISO 1087-1:2000) تصحیح‌شده - یادآوری افزوده شده است.]

۳-۲-۴-۳

بافت^۱

متنی که بیانگر یک مفهوم (۳-۲-۱) یا استفاده از یک بازنمود (۳-۴-۱-۱) است.

[منبع: (بند ۳-۶-۱۰، استاندارد ISO 1087-1:2000)]

۳-۲-۴-۳

نمایش غیرکلامی^۲

نمایش یک مفهوم (۳-۲-۱) با بیانی فراتر از یک بیان توصیفی که ویژگی‌های این مفهوم را آشکار می‌سازد.

مثال: به مثال‌های ارائه‌شده در پیوست الف بندهای الف ۲-۱۷ و ۲-۲۰ مراجعه شود.

یادآوری - نمایش غیرکلامی می‌تواند فرمول شیمیایی یا ریاضی، یک نمایش تصویرنگاری یا یک تصویر، جدول یا نوع دیگری از نمایش‌های دیداری یا غیردیداری باشد که ویژگی‌های مفهوم مربوط را آشکار می‌کند.

۴-۲-۴-۳

خط^۳

مجموعه‌ای از نویسه‌های نگاره‌ای که برای شکل نوشتاری یک زبان یا چند زبان به کار می‌رود.

یادآوری - نام خط‌ها براساس استاندارد ISO15924 شناسه‌گذاری شده است.

[منبع: (بند ۴-۳۷، استاندارد ISO/IEC 10646:2003) تصحیح‌شده - یادآوری افزوده شده است.]

۴ آماده‌سازی مدخل‌های اصطلاح‌شناسی

۴-۱ اصول کلی

۴-۱-۱ در اصطلاح‌شناسی، اصول اولیه کار این است که هر بازنمود (مانند اصطلاح، نماد یا نام) بر یک مفهوم دلالت داشته باشد و فقط یک مفهوم نمایانگر یک بازنمود در یک حوزه معین یا یک موضوع در یک زبان معین باشد.

1-Context

2-Non-verbal representation

3-Script

رعایت این اصل، ساختن مفاهیم و گزینش بازنمودهای مرجح مناسب (مانند اصطلاحات مرجح، نمادهای مرجح یا نام های مرجح) را آسان می‌کند. بر همین اساس، در استانداردسازی اصطلاحات:

الف- باید تاجایی که امکان دارد از استفاده یک اصطلاح واحد برای مفاهیم چندگانه و اصطلاحات چندگانه برای یک مفهوم پرهیز کرد.

ب- باید تا جایی که امکان دارد در استانداردهای نزدیک و مرتبط به هم از تضاد میان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی پرهیز کرد.

پ- فقط مفاهیم مربوط به حوزه، موضوع یا دامنه استاندارد باید تعریف شوند.

ت- شکل تعریف باید به گونه‌ای باشد که در بافت بتواند جایگزین اصطلاح شود. (یعنی اصل جانیشینی) همچنین، اگرچه تحقق این اصل اولیه منظور اصلی استانداردسازی اصطلاحات و تعاریف است، باید پذیرفت که موارد متعددی در حوزه‌ها یا موضوعات گوناگون وجود دارد که چندین اصطلاح بر یک مفهوم اطلاق می‌شود و چندین مفهوم با یک اصطلاح نمایش داده می‌شود. (مانند یک هم‌نویسه).

۴-۱-۲ تمام اصطلاحات و تعاریف باید به زبان رسمی کشور باشد.

هرگونه اطلاعات کاربردی (مانند اطلاعات زبانی، حوزه‌ای یا موضوعی) که به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مربوط می‌شود، همانگونه که در بند ۶-۷ مشخص شده است باید به عنوان داده ثانویه به بازنمودها افزوده شود یا به عنوان یادآوری زیر مدخل ارائه شود.

یادآوری - استاندارد ISO 704 اطلاعات بیشتری درباره اصول و روش‌های واژه‌گزینی و استاندارد ISO 860 اطلاعات بیشتری درباره هماهنگ‌سازی مفاهیم و اصطلاحات در واژه‌گزینی ارائه می‌کند. استاندارد ISO 15188 رهنمودهایی برای مدیریت طرح‌های واژه‌گزینی در مقیاس بزرگ ارائه می‌دهد که به یک یا مجموعه‌ای از استانداردهای اصطلاحات منجر می‌شود. استاندارد ISO 15188 قواعدی را که در این استاندارد درج شده است، کامل می‌کند.

۴-۲ هدف و دامنه کاربرد استانداردهایی که مدخل‌های اصطلاح‌شناختی دارند

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی می‌توانند به صورت بند «اصطلاحات و تعاریف» در یک استاندارد یا به شکل یک استاندارد مستقل اصطلاحات چاپ شوند.

هدف و دامنه کاربرد استاندارد که «اصطلاحات و تعاریف» دارد و استاندارد اصطلاحات مستقل باید بر اساس قواعد نگارشی تعریف شده در این استاندارد تهیه شود. مدخل‌های اصطلاح‌شناختی باید دارای تمام مفاهیمی باشد که به حوزه، موضوع و دامنه مربوط می‌شود و هم‌پوشانی با دیگر استانداردها را به حداقل برساند.

داخل هر استاندارد، اصطلاحات مشخص باید همواره به کار گرفته شوند.

یادآوری - قواعد نگارش دامنه‌ها در راهنمای ISO/IEC Directives بخش دوم تعریف شده‌اند.

۳-۴ سازمان‌دهی کار مقدماتی

۳-۴-۱ توسعه و روش‌هایی برای کار مقدماتی

توسعه کار مقدماتی باید مناسب با طرح استانداردسازی اصطلاحات باشد. برای تدوین استانداردهای اصطلاحات و تعاریف یا واژه‌نامه‌های مستقل توصیه می‌شود از استانداردهای ISO10241 یا ISO15188 استفاده شود.

۳-۴-۲ ملاحظات گروه هدف

گروه هدف استاندارد باید به طور مشخص تعریف شود. ماهیت این گروه بر بخش‌های زیر تأثیر خواهد گذاشت:

الف- تعیین حدود حوزه یا موضوع مورد مطالعه؛

ب- تعداد مفاهیمی که باید در نظر گرفته شوند؛

پ- گزینش زبان (ها)؛

ت- صورت‌بندی تعاریف؛

ث- تعداد اصطلاحات مترادف و وضعیت الزامی آنها؛

ج- تعداد و نوع مثال‌ها.

۳-۴-۳ حوزه یا تعیین موضوع

۳-۴-۳-۱ پیش از شروع کار مقدماتی باید حوزه یا موضوع دقیقاً تعیین شود زیرا این امر موارد زیر را آسان می‌کند:

الف- جمع‌آوری، ارزشیابی و کاربرد دبیزش؛

ب- تقسیم حوزه یا موضوع انتخابی به زیرشاخه‌ها؛

پ- تقسیم کار و فرآیند آن، به‌ویژه هنگامی که چندین گروه با هم کار می‌کنند؛

ت- ساختاربندی مفاهیم در مراحل مقدماتی؛

ث- ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌ها و گروه‌هایی که در حوزه‌های مربوط به هم کار استانداردسازی اصطلاح‌شناسی می‌کنند.

۳-۴-۳-۲ روش تعیین حدود به ترتیب زیر است:

الف- دامنه حوزه یا موضوع باید با در نظر گرفتن موارد زیر مشخص شود:

۱- طبقه‌بندی‌های کلی مانند طبقه‌بندی بین‌المللی استانداردها؛

۲- طبقه‌بندی‌های موضوع‌های خاص، مانند استاندارد ملی ایران شماره ۹۰۸۸ «تجهیزات انتقال پیوسته-واژگان»؛

۳- نوشتارهای کلی درباره موضوع شامل دستینه‌ها^۱، درس‌نامه‌ها، استانداردهای ملی، کارنامه‌ها و گزارش‌ها؛

۴- مجموعه‌های داده‌های اصطلاح‌شناسی و گنج‌واژه‌ها.

ب- زیرشاخه‌های حوزه یا موضوع انتخابی باید با توجه به هدف استاندارد و نیازهای گروه هدف برگزیده شوند.
پ- ملاحظاتی که در بند ۴-۳-۳-۲ بخش (ب) آمده است باید به تعیین دقیق حدود حوزه یا موضوع منتهی شود، که زیرشاخه‌های حوزه یا موضوع انتخابی را نشان دهد.

۴-۳-۴ انتخاب زبان

آماده‌سازی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی باید به زبان فارسی باشد و معادل انگلیسی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی بر اساس روش ارائه‌شده در استاندارد ملی ایران شماره ۵ درج می‌شود.

۴-۳-۵ منابع

۴-۳-۵-۱ کلیات

تحلیل کاربرد اصطلاح‌شناختی حوزه یا موضوع برای هر زبانی که در استاندارد می‌آید ضروری است.

۴-۳-۵-۲ انواع منابع

انواع اصلی منابعی که باید در نظر گرفته شوند عبارت‌اند از:

الف- مدارک قانونی؛

یادآوری- معانی مفاهیم در قوانین و قواعد گاهی گسترده تر یا محدودتر از استفاده مفهوم در ارتباط حوزه‌ای است.

ب- استانداردها؛

پ- مدارک را معمولاً اجتماع علمی تصدیق می‌کند (مانند درس‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌های علمی و نشریات علمی)؛

ت- مطالب رایجی که الزاماً برای عموم شناخته‌شده نیست (مانند جزوه‌ها، دستورالعمل‌ها، فهرست بخش‌ها و گزارش‌ها)؛

ث- منابع انسانی (مانند اعضای گروه کاری و دیگر متخصصان)؛

ج- دادگان اصطلاح‌شناسی؛

چ- مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی، فرهنگ‌ها و دانشنامه‌ها؛

ح- داده‌های اصطلاح‌شناختی که در وبگاه‌ها، شبکه‌ها و دیگر منابع الکترونیکی یافت می‌شوند.

اولویت باید با منابع معتبر باشد.

۴-۳-۶ ارزشیابی منابع

۴-۳-۶-۱ کلیه منابع باید با دقت ارزشیابی شوند. در ارزشیابی مدارکی که در بند ۴-۳-۵-۲ بخش الف و ب ذکر شده است، باید نکات زیر را در نظر گرفت:

الف- داده‌های اصطلاح‌شناختی نمی‌توانند قابل استناد باشند زیرا تاریخ مدارک به روز نیست؛

ب- توصیه می‌شود مؤلف در حوزه یا موضوع مربوط، به عنوان فرد صاحب‌نظر شناخته شده باشد؛

پ- داده‌های اصطلاح‌شناختی در مدارک نباید متأثر از یک مکتب فکری خاصی باشند که به عنوان مکتب مدرن کاملاً پذیرفته شده نباشد.

در صورت وجود مجموعه داده‌های اصطلاح‌شناختی، برای تهیه منبع باید از سایر استانداردهای مرتبط با این موضوع استفاده شود.

۴-۳-۶-۲ تصمیم‌گیری درباره انتخاب مدارک ترجمه‌شده به عنوان منبع بسیار حائز اهمیت است. اگر ترجمه باشند موثق بودن آنها باید سنجیده شود. مدارک‌های ترجمه‌شده در موارد زیر می‌توانند به عنوان نقطه آغازین مورد استفاده قرار گیرند.

الف- هنگامی که در آن حوزه مدرکی به زبان فارسی وجود نداشته باشد، برای نمونه اگر حوزه یا موضوع کاملاً جدید باشد یا

ب- هنگامی که مدرک ترجمه‌شده در حوزه یا موضوع کاربرد گسترده‌ای داشته باشد که نشانگر وضعیت موجود آن است یا

پ- هنگامی که متون موازی مانند نسخه‌های رسمی مدارک‌های چاپ‌شده نهاد تام‌الاختیاری چون سازمان ملل و اتحادیه اروپا وجود داشته باشد.

فهرستی از تمام منابع باید گردآوری شود. این فهرست باید شامل داده‌های کتاب‌شناختی مورد نیاز برای بازیابی مدارک‌ها یا داده‌ها باشد.

یادآوری- استفاده از نظام شناسه‌گذاری برای تعیین یا ثبت منابع می‌تواند مفید باشد.

۴-۴ مرحله پیاده‌سازی

۴-۴-۱ کلیات

مرحله پیاده‌سازی باید هماهنگ با قواعد سازمان ملی استاندارد ایران باشد.

یادآوری ۱- قواعد پیاده‌سازی در راهنمای ISO/IEC Directives درج شده است.

یادآوری ۲- استاندارد ISO 15188 رهنمودهایی برای مدیریت طرح‌های واژه‌گزینی در مقیاس بزرگ ارائه می‌دهد که به یک یا مجموعه‌ای از استانداردهای اصطلاحات منجر می‌شود.

۴-۴-۲ گردآوری داده‌های اصطلاح‌شناختی

مفاهیم هر حوزه یا موضوع را باید با تحلیل مطالب منبع مشخص کرد تا بتوان فهرست اصطلاحات زبان‌های متن استاندارد (یا مجموعه‌ای از استانداردها) را ارائه داد. در بند ۴-۴-۴ به این موضوع پرداخته شده است.

باید توصیف هر اصطلاح یا مفهومی که ظاهراً به حوزه یا موضوع مربوط می‌شود، ارائه شود اگرچه ممکن است بعدها مشخص شود که به حوزه یا موضوع دیگری تعلق دارد.

گاهی منابع در دسترس، یک تعریف ارائه می‌دهند اما اصطلاح معادل برای یک مفهوم معین ارائه نمی‌دهند. در چنین مواردی، تعریف و توضیحات باید ثبت شوند. اگر اصطلاح معادل وجود نداشته باشد باید کوشید تا

اصطلاحی ساخت که با اصول و مثال‌های اصطلاح‌سازی که در استاندارد ISO 704 آمده است، هم‌خوانی داشته باشد.

یادآوری - هرگاه در زبان معین، اصطلاح مناسبی برای مفهوم تعریف‌شده یافت نشود و نتوان اصطلاح جدیدی برای آن ساخت، می‌توان این مورد را با پنج نقطه «.....» در جایگاه اصطلاح مشخص کرد.

تمامی اطلاعات شامل (تعاریف، اصطلاحات، اصطلاحات مترادف‌ها، متضاده‌ها، بافت‌ها) که از یک منبع تأمین شده است باید در زمانی که آن منبع معتبر است، جمع‌آوری شود.

۳-۴-۴ ثبت داده‌های اصطلاح‌شناختی

۳-۴-۴-۱ کلیات

برای یکسان‌سازی شیوه‌های کار، پیش از ثبت داده‌های اصطلاح‌شناختی باید یک نظام شناسه‌گذاری برای رده‌های داده‌ها براساس تاریخ ثبت، منابع و فرد یا سازمانی که داده‌ها را ثبت می‌کند، تهیه شود. داده‌های اصطلاح‌شناختی برای هر زبانی باید به شیوه یکسان ثبت شوند. هر اصطلاح و دیگر انواع بازنمود باید جداگانه با یک شناسانه اولیه مفهوم که مختص موردنظر در استاندارد خاص است، ثبت شود. همان شناسانه باید برای اصطلاحات مترادف و معادل در تمام زبان‌ها استفاده شود.

هنگام ثبت داده‌های اصطلاح‌شناختی باید در هر زبانی رده‌های داده‌های مذکور در بندهای ۳-۴-۴، ۲-۳-۴-۴ و ۴-۳-۴-۴ در نظر گرفته شود.

۳-۴-۴-۲ داده‌های بازنمودمحور^۱

۳-۴-۴-۱-۲ کلیات

داده‌های بازنمودمحور تشکیل شده‌اند از:

- داده‌های اصطلاح‌محور؛

- داده‌های مربوط به دیگر بازنمودها.

۳-۴-۴-۲-۲ داده‌های اصطلاح‌محور^۲

منظور از داده‌های اصطلاح‌محور بازنمودهای کلامی شامل اصطلاحات چندکلمه‌ای و دیگر اصطلاحات مرکب است و نیز می‌تواند شامل حروف، نمادهای حرفی، اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (مانند علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر حروف وصل و فصل) و گاهی صورت‌های نوشتاری (مانند نوع قلم و قواعدی مانند قلم برجسته، مورب، مورب برجسته یا شیوه‌های دیگر) باشد.

1- Designation-related data

2- Term-related data

یادآوری ۱- در عمل، هر نوع ترکیبی از بازنمودهای کلامی و غیرکلامی می‌تواند در نوشتار فنی علمی و مستندسازی فنی ظاهر شود.

یادآوری ۲- این قواعد در سطحی گسترده برای نام‌ها قابل اجراست.

داده‌های اصطلاح‌محور می‌تواند شامل بخش‌های زیر باشد:

الف- اصطلاحات:

۱- بازنمودهای کلامی [یعنی بازنمودهایی (به بند ۳-۴-۱-۱-۱-۱ مراجعه شود) به جز نمادهای نگاشتاری (به بند ۳-۴-۱-۱-۵ مراجعه شود)؛]

۲- صورت‌های کوتاه‌نوشت (به بند ۳-۴-۱-۲-۴ مراجعه شود)؛

۳- صورت‌های کامل (به بند ۳-۴-۱-۲-۳ مراجعه شود)؛

۴- نمادهای حرفی (به بند ۳-۴-۱-۱-۴ مراجعه شود)؛

۵- گونه‌ها (به بند ۳-۴-۱-۲-۲ مراجعه شود)؛

۶- اصطلاحات معادل در زبان‌های دیگر (در صورت وجود ارتباط میان اصطلاحات، «یادآوری» برای نشان دادن درجه معادلی بیاید)؛

ب- وضعیت الزامی (به بند ۳-۴-۱-۳ مراجعه شود)؛

پ- اطلاعات دستوری؛

ت- یادآوری(های) مدخل که به اصطلاح یا هر رده دیگر داده‌ها در بند الف ۴-۴-۳-۲-۲ بخش نخست تا پنجم اشاره می‌کند؛

ث- دیگر اصطلاحات مفید مانند هم‌نویسه‌ها (به بند ۳-۴-۱-۴ مراجعه شود) و متضادها (به بند ۳-۴-۱-۵ مراجعه شود) (در صورت لزوم با توضیح مختصر) و ارجاع متقابل.

هم‌چنین ممکن است ثبت اطلاعات کاربردی اصطلاحات ضروری باشد؛ مانند زبان (که با شناسه زبان منطبق با استاندارد ISO 639 مشخص شده باشد)، خط (که با شناسه خط منطبق با استاندارد ISO 15924 مشخص شده باشد)، کاربرد جغرافیایی (که با شناسه کشورها منطبق با استاندارد ISO 3166 مشخص شده باشد) و دیگر رده‌های ثانویه داده‌ها در جایگاه ثبت رده‌های^۱ ISO بر اساس استاندارد ملی ایران شماره ۱۲۶۲۰. برخی از اطلاعات کاربردی مذکور درباره اصطلاحات در دادگان‌های اصطلاحات ثبت می‌شود، اما ضرورت ندارد در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بیاید.

یادآوری ۳- در استاندارد بین‌المللی الکتروتکنیک IEC اطلاعات اصطلاح‌شناختی مربوط به یک "کاربرد خاص" یک اصطلاح می‌تواند مکمل اصطلاح باشد اما لزوماً مطابق با تعریفی که از حوزه یا موضوع در این استاندارد داده شده، نیست. برای اطلاعات بیشتر به راهنمای ISO/IEC Directives مراجعه شود.

۴-۳-۲-۳ داده‌های مربوط به بازنمودهای غیرکلامی

داده‌های مربوط به بازنمودهای غیرکلامی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف- نمادهای نگاشتاری (به بند ۳-۴-۱-۱-۵ مراجعه شود) و دیگر بازنمودهای غیرکلامی؛

ب- وضعیت الزامی (به بند ۳-۴-۱-۳ مراجعه شود)؛

پ- یادآوری(های) مربوط به بازنمودهای غیرکلامی [یعنی نمادهای نگاشتاری (به بند ۳-۴-۱-۱-۵ مراجعه شود)]؛

ت- دیگر اطلاعات مفید مانند هم‌نویسه‌ها (در صورت لزوم همراه با توضیح مختصر) و ارجاع متقابل.

یادآوری- در عمل، هر نوع ترکیبی از بازنمودهای کلامی و غیرکلامی می‌تواند در نوشتار فنی علمی و مستندسازی فنی ظاهر شود. بنابراین، از حروف، اعداد، نمادهای کیفیت‌ها و یکاها، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی که در قوانین موضوعه ویژه یا حوزه ویژه مربوط درج شده است، می‌توان به عنوان اجزای نمادهای نگاشتاری استفاده کرد یا آنها را در ترکیب با این نمادها به کار برد.

۴-۳-۴-۳ داده‌های مفهوم محور^۱

داده‌های مفهوم محور می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف- حوزه یا موضوع (یعنی یک متن توصیفی، مانند عنوان یک کارگروه یا یک شناسه، مانند شناسه ICS)؛

ب- تعاریف؛

پ- بافت‌ها؛

ت- نمایش‌های غیرکلامی مفهوم؛

ث- مثال‌ها؛

ج- یادآوری(های) مربوط به تعریف، بافت (به بند ۳-۴-۲-۲-۲ مراجعه شود)، مثال یا نمایش غیرکلامی؛

چ- یادآوری(های) مربوط به یک مدخل کامل اصطلاح‌شناختی (یا به یک بخش زبان معین از یک مدخل اصطلاح‌شناختی)؛

ح- موقعیت در نظام مفهوم محور اگر شناخته شده باشد.

نظرات مربوط به داده‌های مفهوم محور که در بالا ذکر شد در دادگان اصطلاحات ثبت می‌شود اما ضرورت ندارد در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد شده بیاید. بنابراین، در رده‌های داده‌ها که در بند ۳-۵ فهرست شده است، نیامده است.

۴-۳-۴-۴ داده‌های اجرایی^۲

داده‌های اجرایی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

الف- شناسانه اولیه مفهوم؛

1-Concept-related data

2-Administrative data

یادآوری ۱- شناسانه اولیه مفهوم به جای عدد مدخل در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد درج شده است.

ب- در صورت لزوم، شناسه‌های زبان مطابق با استاندارد ISO 639 پس از شناسه‌های جغرافیایی مطابق با استاندارد ISO 3166 (نام کشورها و تقسیمات آنها) یا شناسه خط مطابق با استاندارد ISO 15924 (نام خطها) می‌آیند؛

پ- تاریخ ثبت (و هرگونه تصحیحی)؛

ت- فرد (یا سازمان) مسئول داده‌های اصطلاح‌شناختی؛

یادآوری ۲- انواع مسئولیت (با در نظر گرفتن ثبت داده‌های اصطلاح‌شناختی و حفظ هویت تک تک کسانی که یک شناسانه به آنها اختصاص داده شده است) ممکن است یکی از موارد زیر باشد: آغازگر، واردکننده داده‌ها، به‌روزگر، بازبین، تأییدگر، کاربر، زیرمجموعه‌دار، حذف‌کننده، صادرکننده، واردکننده.

ث- منابع.

۴-۴-۴ تهیه فهرست اصطلاحات

۴-۴-۴-۱ فهرست اصطلاحات مناسب

فهرست اصطلاحات مناسب می‌تواند شامل اصطلاحات زیر باشد:

الف- مفاهیم خاص حوزه یا موضوع یا مربوط به حوزه یا موضوع؛

ب- مفاهیم رایج در چندین حوزه یا موضوع؛

پ- اصطلاحات قرضی (به بند ۳-۴-۱-۲-۱ مراجعه شود).

طبقه‌بندی‌های کلی، مانند طبقه‌بندی‌های بین‌المللی استانداردها و طبقه‌بندی‌های موضوع تخصصی را که در حوزه یا موضوع به کار رفته‌اند می‌توان به عنوان راهنمایی برای تعیین استفاده یا عدم استفاده از مفهومی معین به کار گرفت.

۴-۴-۴-۲ بازنمودها در استانداردهای منتشرشده

استاندارد منتشرشده باید شامل مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد همراه با اصطلاحات یا دیگر بازنمودهای مفهومی باشد که به همان حوزه یا موضوع مورد نظر تعلق دارند. فقط تعداد اندکی از اصطلاحات قرضی و مفاهیم معین از دیگر حوزه‌ها، موضوعات، دیگر زبان‌ها یا فرهنگ‌ها را می‌توان در این بخش درج کرد.

۴-۴-۵ ایجاد حوزه‌های مفهومی و نظام‌های مفهومی

۴-۴-۵-۱ پس از آنکه فهرست اصطلاحات در هر زبانی تهیه شد، باید مفاهیم مرتبط در حوزه‌های مفهومی (بند ۲-۲-۳) مرتب شوند. ضوابط دسته‌بندی مفاهیم باید در هر زبانی یکسان باشد. رابطه میان حوزه‌های مفهومی باید تعیین شود. سپس، مفاهیم درون هر حوزه مفهومی باید درون نظام‌های مفهومی (بند ۳-۲-۳) جای گیرد تا جایی که برای هر مفهومی در نظام جای خاصی تخصیص یابد.

نظام‌های مفهومی باید مطابق با استاندارد ISO 704 تهیه شوند.

۴-۵-۴ برای هر زبانی باید نظام مفهومی با توجه به گوناگونی‌های موجود، مانند مکتب‌های فکری مختلف (که به نظام‌های مفهومی متفاوتی در زبان منجر می‌شود)، نظام‌های ملی و سازمان‌های مختلف ساخته شود. هنگامی که این کار انجام شد، باید به پرسش‌های زیر پرداخته شود:

- آیا هر مفهوم در موقعیت درستی در نظام قرار گرفته است؟

- آیا تمام مفاهیم ذکر شده‌اند؟

۴-۵-۳ نظام‌های مفهومی هر زبانی که در طرح آمده است باید با یکدیگر مقایسه شود تا

- میزان سازگاری میان نظام‌های مفهومی تعیین شود؛

- نظام‌های مفهومی براساس استاندارد ISO 860 هماهنگ شوند.

یادآوری - روش‌هایی برای گزارش‌های فنی در راهنمای ISO/IEC Directives تعریف شده است.

۴-۵ گزینش مفاهیم

در گام بعدی مرحله پیاده‌سازی (که در بند ۴-۴ آمده است) مفاهیمی که در استاندارد به عنوان مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد در نظر گرفته شده‌اند، گزینش می‌شوند. افزون بر اصول کلی ذکر شده در بند ۴-۱-۱ از الف تا پ، اصول زیر نیز باید رعایت شوند.

الف- عبارت‌های زبان عمومی یا اصطلاحات پریسامد نباید در اینجا درج شوند مگر آنکه کاربرد آنها باعث سوءتعبیر شود.

ب- باید از تضادها یا عدم انسجام‌های مربوط به مفهومی پرهیز کرد که قبلاً در یک استاندارد (در همان گروه استاندارد) تعریف شده‌است.

تضادها یا عدم انسجام‌ها باید در موارد زیر نشان داده شوند:

۱- اگر همان مفهوم با بازنمودهای دیگری (مانند اصطلاحات، نمادها، یا دیگر انواع بازنمود) بیان شده باشد؛

۲- اگر همان مفهوم به روش دیگری تعریف شده باشد؛

۳- اگر مفهومی بسیار مشابه با بازنمودهای مشابه یا متفاوت ولی با تعریفی اندک متفاوت بیان شده باشد.

اگر یک مفهوم در چندین استاندارد در همان گروه استاندارد به کار رود، باید به کلی‌ترین شکل ممکن تعریف شود تا مشخصات اضافی را در دیگر استانداردها به حداقل برساند.

یادآوری - استاندارد ISO 15188 رهنمودهایی برای مدیریت طرح اصطلاحات در مقیاس بزرگ ارائه می‌دهد که به یک یا مجموعه‌ای از استانداردهای اصطلاح‌شناسی منجر می‌شود. این رهنمودها قواعدی را که در این استاندارد درج شده است، تکمیل می‌کند.

۵ سازمان‌دهی و ساختار مدخل‌های اصطلاح‌شناختی و رده‌های داده‌های آنها در استانداردها

۱-۵ سازمان‌دهی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

۱-۱-۵ ترتیب مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

در حد امکان باید ترتیب نظام‌مند (به بند ۳-۲-۴ مراجعه شود) رعایت شود. قواعد در بند ۵-۱-۲ درج شده است.

اگر ترتیب نظام‌مند ممکن نباشد، ترتیب آمیخته (به بند ۵-۲-۳ مراجعه شود) مجاز است. قواعد در بند ۵-۱-۳ درج شده است.

ترتیب زبان‌ویژه (به بند ۶-۲-۳ مراجعه شود) فقط در صورتی مجاز است که نتوان از ترتیب نظام‌مند و ترتیب آمیخته استفاده کرد. قواعد در بند ۴-۱-۵ درج شده است.

۲-۱-۵ ترتیب نظام‌مند

در ترتیب نظام‌مند مدخل‌های اصطلاح‌شناختی باید براساس نظام مفهومی منظم شوند (به بند ۵-۴-۴ مراجعه شود).

می‌توان از سرعنوان‌هایی که نمایانگر نظام مفهومی باشد، استفاده کرد.

۳-۱-۵ ترتیب آمیخته

در ترتیب آمیخته باید در حد امکان از نظام مفهومی استفاده کرد تا بتوان به عنوان‌هایی برای موارد زیر دست یافت:

- تقسیمات فرعی بند «اصطلاحات و تعاریف»؛

- تقسیمات فرعی (بندها و زیربندها) در استاندارد اصطلاحات.

مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مربوط به هر یک از تقسیمات فرعی نظام مفهومی باید زیر سرعنوان‌های مورد نظر سازمان ملی استاندارد تنظیم شود. برای مثال، ترتیب مرجح ممکن است نمایانگر مقصود، کاربرد یا الزامات خاصی باشد.

۴-۱-۵ ترتیب زبان‌ویژه

در ترتیب زبان‌ویژه مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مطابق با موثق‌ترین یا رایج‌ترین قواعد آن زبان تنظیم می‌شود.

هرگاه از ترتیب زبان‌ویژه در استاندارد استفاده می‌شود، باید توضیحی درباره آن داده شود.

ترتیب الفبایی نوعی ترتیب زبان‌ویژه است که در پایین‌ترین درجه اولویت قرار دارد.

۲-۵ اطلاعات مربوط به شیوه‌ارائه داده‌های اصطلاح‌شناختی در استاندارد

برای تسهیل استفاده از استانداردهایی که داده‌های اصطلاح‌شناختی دارند، باید اطلاعات کلی مربوط به شیوه ساخت و ارائه این داده‌ها در استاندارد ارائه شود. این اطلاعات دست کم باید شامل موارد زیر باشد:

الف- ترتیب مدخل‌های اصطلاح‌شناختی؛

ب- روش دستیابی به داده‌های اصطلاح‌شناختی، یعنی:

۱- در یک ترتیب نظام‌مند چگونه می‌توان یک اصطلاح معین را پیدا کرد.

۲- در یک ترتیب آمیخته یا ترتیب نامنظم چگونه می‌توان به دیدگاه کلی نظام مفهومی پی برد.

پ- ساختار و ارائه قوانینی که در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی به کار گرفته شده‌است؛

ت- در صورت امکان، نشان دادن اطلاعات دستوری مربوط به اصطلاح، صورت‌های جایگزین یک بازنمود (مانند صورت‌های گوناگون جغرافیایی و نوشتاری اصطلاح، یا صورت‌های گوناگون نماد حرفی یا نماد نگاشتری) و نیز تلفظ‌های گوناگون یک اصطلاح در زبانی معین.

۳-۵ بازنگری رده داده‌های مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد مطابق با این استاندارد

صورت کلی رده داده‌های مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد به شکل طرح‌واره‌ای (شماتیک) در جدول ۱ درج شده است. این قوانین براساس چارچوب اصطلاح‌شناختی استاندارد ISO 16642 پایه‌ریزی شده، اما برای آنکه مدلی ساده و مناسب برای بیشتر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استانداردها باشد، تعدیل شده است. در صورت نیاز، می‌توان از جایگاه ثبت رده داده‌های ISO رده‌های بیشتری را افزود.

در مدخل اصطلاح‌شناختی رده داده‌ها نباید پانوشت داشته باشد. باوجوداین، همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، برای رده‌های خاصی از داده‌ها می‌توان از یادآوری‌ها و مثال‌ها استفاده کرد. الزامات محتویات و نگارش رده‌های گوناگون داده‌ها در بند ۶ مشخص شده است. برای اطلاع، مثال‌های یک چیدمان نمونه و ارائه مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در پیوست الف درج شده است.

جدول ۱- نگاهی به رده‌ داده‌های یک مدخل اصطلاح‌شناختی مطابق با این استاندارد

رده‌ داده‌های ثانویه (شامل داده‌های اجرایی و اطلاعات کاربردی)	رده‌ داده‌های اولیه	
	اجباری / اختیاری / تکرارشدنی / تکرارنشدنی	نام
-	اجباری، تکرارنشدنی	شماره‌ مدخل (به بند ۶-۱ مراجعه شود)
اطلاعات دستوری مطابق با قواعد سازمان ملی استاندارد ایران مانند: شمار، هویت دستوری کاربرد جغرافیایی (مانند شناسه کشور)	اجباری، تکرارشدنی	اصطلاح (یا پنج نقطه «.....» یا علائم مشابه دیگر به بند ۶-۲ مراجعه شود) به ترتیب اصطلاح (های) مرجع، اصطلاح (های) مجاز، اصطلاح (های) منسوخ
اعراب‌گذاری		
وضعیت الزامی		
کاربرد جغرافیایی (مانند شناسه کشور)	اختیاری (مگر آنکه نماد حرفی استاندارد بین‌المللی شده باشد)، تکرارشدنی	نمادهای حرفی (به بند ۶-۳ مراجعه شود)
وضعیت الزامی		
کاربرد جغرافیایی	اختیاری (مگر آنکه نماد نگاشتاری استاندارد بین‌المللی شده باشد)، تکرارشدنی	نمادهای نگاشتاری (به بند ۶-۳ مراجعه شود)
وضعیت الزامی		
در صورت لزوم حوزه یا موضوع	اجباری (مگر آنکه یک نمایش غیر کلامی به صورت قراردادی در حوزه یا موضوع خاص استفاده شود)، تکرارنشدنی	تعاریف (به بند ۶-۴ مراجعه شود)
-	اجباری (اگر مکمل تعریف موجود باشد یا به جای تعریف به صورت قراردادی در حوزه یا موضوع خاص به کار رود)، تکرارنشدنی	نمایش غیر کلامی (به بند ۶-۵ مراجعه شود)
	اختیاری، تکرارشدنی	مثال (به بند ۶-۶ مراجعه شود)

جدول ۱- ادامه

رده داده‌های ثانویه (شامل داده‌های اجرایی و اطلاعات کاربردی)	رده داده‌های اولیه	
	اجباری / اختیاری / تکرارشدنی / تکرارنشدنی	نام
-	اختیاری، تکرارشدنی	یادآوری (شامل یادآوری مربوط به اصطلاح، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف، بافت، نمایش غیرکلامی، مثال، مدخل کامل اصطلاح‌شناختی) (به بند ۶-۷ مراجعه شود)
اطلاعات افزوده مربوط به منبع مانند شماره صفحه یا شماره بند	اختیاری (مگر آنکه مدخل اصطلاح‌شناختی از منبع موثق خارج از متن گرفته شده باشد)، تکرارشدنی	منبع مدخل کامل اصطلاح‌شناختی (شامل منبع اصطلاح، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف، بافت، نمایش غیرکلامی، مثال) (به بند ۶-۸ مراجعه شود)
<p>برای آسان‌سازی در این جدول فقط «اصطلاح» مشخص شده است، اگرچه دیگر بازنمودهای کلامی مانند اصطلاحات مترادف موجود، گونه‌ها، صورت کامل، صورت‌های کوتاه‌نوشت، هم‌نویسه‌ها، متضادها و نیز اصطلاحات معادل در دیگر زبان‌ها در این رده داده‌های نام می‌آید.</p>		

۶ الزامات تدوین محتوا و نگارش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

۱-۶ شماره مدخل

شماره مدخل اصطلاح‌شناختی در هر استاندارد باید منحصر به فرد باشد. شماره مدخل باید جزئی از شماره‌گذاری بند استاندارد و مطابق با قواعد شماره‌گذاری سازمان ملی استاندارد باشد.

یادآوری ۱- شماره مدخل در استاندارد غالباً با شناسانه ثبت داخلی آن در دادگان‌های اصطلاح‌شناسی فرق می‌کند.

یادآوری ۲- شماره‌گذاری تقسیمات و تقسیمات فرعی مطابق با استاندارد ملی ایران شماره ۸۵۵۲ است.

اگر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی براساس ترتیب نظام‌مند در بند ۵-۱-۲ مرتب شده باشد، شماره مدخل‌ها باید عددی متوالی باشد که موقعیت مفهوم مورد نظر را در نظام مفهومی نشان دهد.

مثال ۱:

۱-۳ مدخل اصطلاح‌شناختی در لایه نخست نظام مفهومی

۲-۳ مدخل اصطلاح‌شناختی در لایه نخست نظام مفهومی

- ۳-۲-۱ مدخل اصطلاح‌شناختی در لایه دوم نظام مفهومی
- ۳-۲-۲ مدخل اصطلاح‌شناختی در لایه دوم نظام مفهومی
- ۳-۲-۳ مدخل اصطلاح‌شناختی در لایه نخست نظام مفهومی

اگر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی براساس ترتیب آمیخته در بند ۵-۱-۳ مرتب شده باشد، شماره‌های مدخل تقسیمات و تقسیمات فرعی باید اعداد متوالی و نمایانگر ساختار نظام مفهومی باشد. شماره مدخل‌ها در تقسیمات و تقسیمات فرعی باید اعداد متوالی و مطابق با اولویت‌های سازمان استاندارد باشد.

مثال ۲:

- ۳-۱ بخش در لایه نخست نظام مفهومی
- ۳-۲ بخش در لایه نخست نظام مفهومی
- ۳-۲-۱ مدخل اصطلاح‌شناختی به ترتیب اولویت
- ۳-۲-۲ مدخل اصطلاح‌شناختی به ترتیب اولویت
- ۳-۲-۳ مدخل اصطلاح‌شناختی به ترتیب اولویت
- ...
- ۳-۳ بخش در لایه نخست نظام مفهومی
- ۳-۳-۱ بخش در لایه دوم نظام مفهومی
- ۳-۳-۱-۱ مدخل اصطلاح‌شناختی به ترتیب اولویت
- ۳-۳-۱-۲ مدخل اصطلاح‌شناختی به ترتیب اولویت
- ۳-۳-۱-۳ مدخل اصطلاح‌شناختی به ترتیب اولویت
- ...
- ۳-۴ بخش در لایه نخست نظام مفهومی

اگر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استاندارد اصطلاحات یک‌زبانه به ترتیب زبان‌ویژه در بند ۵-۱-۴ مرتب شود، شماره مدخل‌ها باید اعدادی متوالی و نمایانگر ترتیب زبان‌ویژه مدخل‌های اصطلاح‌شناختی باشد.

۶-۲ اصطلاحات

۶-۲-۱ ملاک‌های تعیین وضعیت الزامی

مناسب‌ترین وضعیت الزامی (مرجح، مجاز، یا منسوخ) تمام بازنمودها شامل صورت‌های کامل و کوتاه‌نوشته اصطلاحات، باید براساس مقصود گروه هدف تعیین شود و نیز براساس این‌که:

- آیا قبلاً هماهنگ‌سازی هر بازنمودی با دیگر بازنمودها انجام شده است؛
- بسامد کاربرد آن چقدر است؛
- آیا بازنمود روزآمد است.

ملاک‌های کلی زیر (از استاندارد ISO 704) که مربوط به اصول اصطلاح‌سازی است باید برای اصطلاحات در نظر گرفته شود:

الف- شفافیت، برای آنکه اصطلاح، مشخصات مختص مفهوم را آشکار کند؛
ب- سازگاری در به‌کارگیری عناصر اصطلاح، برای آنکه اصطلاح موقعیت مفهوم را در نظام مفهومی هم‌تراز داشته باشد.

پ- تناسب، برای آنکه اصطلاح، الگوهای معنایی آشنا و مدون زبان فارسی را رعایت کند؛

ت- کم‌کوشی زبانی^۱، برای آنکه اصطلاح، تا حد ممکن مختصر باشد؛

ث- اشتقاق‌پذیری، برای آنکه مشتقات، بتوانند براساس قواعد زبانی شکل بگیرند؛

ج- درستی زبانی^۲، برای آنکه اصطلاح، با قواعد ساخت‌واژی^۳، واژنحوی^۴ و واج‌شناختی^۵ زبان مطابقت داشته باشد؛

اهمیت این ملاک‌ها مورد به مورد فرق می‌کند و معمولاً تضاد میان ملاک‌های گوناگون مانند الف و ب با پ و ت رخ می‌دهد.

۶-۲-۲ گزینش وضعیت الزامی

۶-۲-۲-۱ اصطلاحات مرجح و نامرجح

ممکن است بیش از یک اصطلاح مرجح، یا مجاز یا منسوخ داشت. اگر در مدخل اصطلاح‌شناختی استاندارد فقط یک اصطلاح برای مفهوم واحدی وجود داشته باشد، این اصطلاح به طور خودکار اصطلاح مرجح خواهد بود.

توصیه می‌شود از میان تمام اصطلاحات موجود اصطلاحی به عنوان مرجح برگزیده شود که با ملاک‌های مذکور در بند ۶-۲-۱ هم‌خوانی کامل داشته باشد. نام‌های تجاری (که حقوق مربوط به مالکیت فکری و صنعتی هستند را ایجاد می‌کنند)، اصطلاحات مهجور، باستانی و محاوره‌ای نباید به عنوان اصطلاح مرجح برگزیده شوند.

چنانچه نتوان فقط یک اصطلاح مرجح برگزید، اصطلاحات مرجح باید بر اساس اولویت‌بندی مورد نظر سازمان ملی استاندارد درج شود. همان‌گونه که در بند ۶-۲-۱ ذکر شد، ترتیب اولویت می‌تواند براساس درجهٔ هماهنگی اصطلاحات مورد نظر یا بسامد کاربرد آنها در حوزه یا موضوع تعیین شود.

اصطلاحات نامرجح باید مانند اصطلاحات مرجح (۶-۲-۲-۲) یا اصطلاحات منسوخ (۶-۲-۲-۳) رده‌بندی شوند. اگر یک اصطلاح فقط در برخی کاربردها در بافت مخصوصی شرایط لازم برای قرارگرفتن در وضعیت اصطلاح مرجح یا مجاز را داشته باشد، باید به عنوان اصطلاح منسوخ مشخص شود. برای مقاصد این استاندارد، اصطلاحات مهجور، اصطلاحات جانشین، اصطلاحات باستانی، زبان علمی- فنی، و دیگر اصطلاحاتی که ارتباط در حوزه را مشکل می‌کند، باید در استاندارد چاپ‌شده به عنوان اصطلاح منسوخ در نظر گرفته شود.

-
- 1-Linguistic economy
 - 2-Linguistic correctness
 - 3-Morphological
 - 4-Morphosyntactic
 - 5-Phonological

اگر هر دو صورت کامل و کوتاه‌نوشت اصطلاحی وجود داشته باشد، یکی از آنها ممکن است اصطلاح مرجح باشد و دیگری اصطلاح مجاز یا منسوخ و یا هر دو اصطلاح مرجح باشند. اگر توضیح اینکه چرا صورت کوتاه‌نوشت به عنوان اصطلاح مرجح برگزیده شده است، ضروری و مفید باشد، چنین توضیحی باید در قسمت «یادآوری» (بند ۶-۷) درج شود. اگر دو یا بیش از دو صورت کوتاه‌نوشت وجود داشته باشد، همان قواعد باید اعمال شود.

اگر گونه‌های متفاوتی از یک اصطلاح وجود داشته باشد، وضعیت الزامی یک گونه به عنوان اصطلاح مرجح یا مجاز یا منسوخ باید براساس قواعد ویرایشی سازمان ملی استاندارد تعیین شود.

اگر برای زبانی هیچ واژه مرجحی وجود نداشت، باید از یکی از دو گزینه زیر استفاده کرد:

الف- یک اصطلاح از حوزه یا موضوع دیگر (یا زبان و فرهنگ دیگر) می‌تواند استفاده شود یا یک اصطلاح جدید براساس اصول اصطلاح‌شناختی ساخته شود. هر اصطلاح قرضی یا نوساخته به عنوان اصطلاح مرجح در نظر گرفته می‌شود.

ب- اگر در بخش زبان معین از یک مدخل اصطلاح‌شناختی هیچ معادلی یافت نشود، علامت نقطه‌چین می‌تواند به عنوان اصطلاح جانشین استفاده شود. در چنین مواردی، مدخل اصطلاح‌شناختی نباید اصطلاحات مجاز یا منسوخ داشته باشد.

یادآوری- در چنین مواردی علامت پنج نقطه «.....» به کار می‌رود.

۶-۲-۲-۲ اصطلاحات مجاز

اگر اصطلاحی در بافت خاصی رایج باشد ولی فقط برخی از شرایط لازم را برای قرارگرفتن در وضعیت اصطلاح مرجح داشته باشد، باید به عنوان اصطلاح مرجح برگزیده شود. هر دو صورت کامل و کوتاه‌نوشت می‌تواند به عنوان اصطلاحات مرجح برگزیده شود.

اگر چندین اصطلاح مرجح وجود داشته باشد، اصطلاحات مرجح باید بر اساس اولویت‌بندی مورد نظر سازمان ملی استاندارد درج شود. این ترتیب می‌تواند:

- براساس بسامد کاربرد اصطلاح موردنظر یا استفاده آن به وسیله متولیان آن حوزه یا موضوع تعیین شود؛

- یک ترتیب زبان‌ویژه باشد.

۶-۲-۲-۳ اصطلاحات منسوخ

اگر اصطلاحی در بافت خاصی کاربرد داشته باشد اما شرایط لازم را برای قرارگرفتن در وضعیت اصطلاح مرجح یا مجاز نداشته باشد، باید به عنوان اصطلاح منسوخ مشخص شود. اصطلاحات مهجور، اصطلاحات جانشین، اصطلاحات باستانی، زبان علمی- فنی، و اصطلاحاتی که ارتباط در حوزه را مشکل می‌کند باید به عنوان اصطلاحات منسوخ در نظر گرفته شود.

یادآوری - اگرچه از نظر تعریف، اصطلاحی که دیگر رایج نباشد، اصطلاح مهجور (استاندارد ISO 1087-1:2000) است، سازمان ملی استاندارد معمولاً چنین اصطلاحی را نامطلوب می‌داند.

اگر سازمان ملی استاندارد هر دو صورت کامل و کوتاه‌نوشت را نامطلوب به شمار آورد، این اصطلاحات در وضعیت اصطلاحات منسوخ قرار می‌گیرند.

اگر توضیحی برای دلیل منسوخ بودن ضروری و مفید باشد، باید در «یادآوری» (بند ۶-۷) ذکر شود.

۶-۲-۳ صورت نوشتاری، اطلاعات دستوری و اطلاعات کاربردی

۶-۲-۳-۱ اصطلاحات باید به صورت نوشتاری معمول و مقرر در متن مورد نظر ارائه شود. وضعیت الزامی اصطلاحات باید با ابزارهایی تعیین شود.

اصطلاحاتی که شامل علائمی مانند:

- نمادها (مانند نمادهای حرفی ساده یا مرکب، اعداد، نمادهای نگاشتاری یا هرگونه ترکیبی از این گونه) هستند باید به صورت نوشتاری معمول و مقرر در متن مورد نظر ارائه شود.

مثال ۱: توزیع x^2

مثال ۲: ۱۰۰٪ بازرسی شده

۶-۲-۳-۲ نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (مانند علائم سجاوندی، خط‌تیره‌ها، قلاب‌ها، و دیگر نشانه‌های وصل و فصل) و نیز شیوه نوشتاری آنها (مانند قلم و برجسته بودن آن، مورب، مورب برجسته، یا دیگر شیوه‌های مرسوم) باید فقط در صورتی در اصطلاح درج شوند که در متن مورد نظر جزء اساسی صورت نوشتاری معمول و مقرر به شمار آیند. نشانه‌های نحوی نباید به عنوان اصطلاحات جایگزین استفاده شوند. برای اصطلاحات پیچیده (مانند اصطلاحات مرکب و چندکلمه‌ای) باید ترتیب عادی کلمه رعایت شود.

مثال ۱: عدد رینولدز بحرانی

مثال ۲: $3(a_n)$

مثال ۳: bis(dimethyl-thiocarbamyl) disulfides

مثال ۴: کم‌خونی فانکونی

مثال ۵: مقاومت بسته به ولتاژ

۶-۲-۳-۳ معمولاً صورت دستوری اصلی یک اصطلاح در مدخل درج می‌شود. مانند:

- نام به صورت مفرد (مگر آنکه اسم جمع باشد)؛

- فعل به صورت مصدری؛

- قید به صورت ساده و نه برتر.

مثال ۱: نام، پله

مثال ۲: فعل، رویاندن

مثال ۳: قید، بسیار

۴-۳-۲-۶ وضعیت الزامی مدخل‌ها را باید نهاد متولی زبان (فرهنگستان زبان و ادب فارسی) تعیین کند.
۵-۳-۲-۶ در صورت لزوم، برای درک بهتر اصطلاح بر روی اصطلاح اعراب‌گذاری شود.

۴-۲-۶ پرهیز از هم‌نویسه‌ها و ناهم‌خوانی‌ها در کاربرد اصطلاح

اصطلاحی که در یک استاندارد تعریف می‌شود (به‌ویژه در استناداری با موضوعات مرتبط) نباید به عنوان اصطلاح مرجح یا مجاز برای بازنمود مفهومی متفاوت در همان حوزه یا موضوع به کار رود. اگر اصطلاحی نمایانگر مفهوم واحدی باشد که در چند استاندارد به کار می‌رود، آن مفهوم باید در عمومی‌ترین استاندارد تعریف شود و بهتر است در دیگر استانداردها تعریف نشود.
این مسئله در مورد دیگر بازنمودها نیز صادق است.

۵-۲-۶ استفاده از اصطلاحات مرجح در داخل متن استاندارد

هرگاه بخواهیم به مفهومی در جای دیگری از متن استاندارد ارجاع دهیم، برای بیان این مفهوم توصیه می‌شود از اصطلاح مرجح استفاده کنیم. اگر بیش از یک اصطلاح مرجح وجود داشته باشد، باید فقط یکی از آنها به کار رود مگر در مواردی که هر دو صورت کامل و اختصاری اصطلاح مرجح باشد (در چنین مواردی می‌توانند به جای یکدیگر به کار روند). در کاربرد اصطلاح مرجح باید از صورت نوشتاری یکسان با مدخل اصطلاح‌شناختی استفاده کرد و باید بسیار دقت کرد تا اشتباه و ناهم‌خوانی رخ ندهد.
این دستور در مورد دیگر بازنمودهایی که در متن استاندارد یا دیگر مدخل‌های اصطلاح‌شناختی به کار می‌روند نیز باید اجرا شود.

قواعد ارجاع اصطلاحات (و دیگر انواع بازنمودها) در تعاریف، در بند ۶-۴-۷ توضیح داده شده است.

۶-۲-۶ هم‌نویسه‌ها و متضادها

اگرچه هم‌نویسه‌ها و متضادها مفاهیم گوناگونی را بیان می‌کنند و به مدخل اصطلاح‌شناختی موردنظر تعلق ندارند، می‌توانند اطلاعات مفیدی به منظور ابهام‌زدایی یا آشکارسازی برای کاربر فراهم آورند.
اگر در نظام مفهومی هم‌نویسه‌ای در حوزه یا موضوع نزدیک، یا چندین حوزه و موضوع وجود داشته باشد، توصیه می‌شود هم‌نویسه نمایانگر فقط یک مفهوم باشد و برای مفاهیم دیگر اصطلاح دیگری برگزیده شود.
با وجود این، در صورت اجبار به استفاده از هم‌نویسه‌ها باید آنها را در مدخل‌های جداگانه تعریف کرد. ارجاع متقابل در «پاداوری» می‌تواند سودمند باشد.

مثال:

۱.۱ مهر محبت و دوستی ۲.۱ مهر وسیله چاپ دستی
--

به همین صورت، ارجاع متقابل به «یادآوری» که به متضادها اشاره می‌کند، می‌تواند سودمند باشد. هم‌نویسه‌ها به زبان وابسته‌اند. اگر یک هم‌نویسه در یک زبان آورده شود، احتمالاً اصطلاح معادل در زبان دیگر هم‌نویسه ندارد.

۶-۲-۷ اصطلاحات معادل در زبان‌های گوناگون

اگر در استاندارد برای یک مفهوم اصطلاحات مرجح، مجاز و منسوخ وجود داشته باشد، به این معنا نیست که برای همان مفهوم در دیگر زبان(های) استاندارد اصطلاحات مرجح، مجاز و منسوخ وجود خواهد داشت. (به مثال‌های پیوست الف بند الف ۲-۵ و ۲-۲۰ مراجعه شود).

همین قواعد درباره صورت‌های اختصاری نیز صادق است.

جزئیات دقیق کاربرد اصطلاح معادل را می‌توان در «یادآوری» توضیح داد (به بند ۶-۷ مراجعه شود). استاندارد ISO 10241-2 علاوه بر موارد دیگر، اصول و قواعد پذیرش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد بین‌المللی را بیان می‌دارد.

۶-۳ نمادها

۶-۳-۱ قوانین کلی

اگر نمادها به طور قراردادی بیانگر بازنمودهای یک مفهوم باشند، بهتر است در مدخل اصطلاح‌شناختی آورده شوند. توصیه می‌شود جایگزین اصطلاح مرجح نشوند. با وجود این، در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مربوط به نمادهای هماهنگ‌شده بین‌المللی، نمایانگر اصلی مفهوم در بافت‌های خاص هستند و بنابراین می‌توانند به عنوان بازنمود مرجح به قیاس با اصطلاح مرجح در نظر گرفته شوند. درجایی که یک نماد از مأخذی بین‌المللی گرفته شده باشد، نام منبع آن باید مطابق با بند ۶-۸ مشخص شود.

هرگاه یک نماد حرفی به بخش زبانی خاص اختصاص داده شود، می‌توان مطابق با استاندارد ISO 639 آن را با شناسه نام زبان، و در صورت لزوم مطابق با استاندارد ISO 3166 با شناسه نام کشور یا مطابق با استاندارد ISO 15924 با شناسه نام خط کامل کرد. هرگاه نماد نگاشتاری به بخش زبانی خاص اختصاص داده شود، می‌توان مطابق با استاندارد ISO 3166 با شناسه نام کشور آن را کامل کرد.

نمادها در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد نباید شامل نام‌های تجاری باشند (مانند نشان‌های ثبت‌شده، نشان‌ها، یا نشان‌واره‌ها) که حقوق مربوط به مالکیت فکری و صنعتی را ایجاد کند.

نمادهای حرفی پیچیده می‌تواند شامل اعداد، نمادهای ریاضی، نشانه‌های نویسه‌نگاری و نشانه‌های نحوی (مانند علائم سجاوندی، خط تیره‌ها، کمان‌ها، قلاب‌ها و دیگر علائم وصل و فصل) باشند که شیوه نگارش آنها (مانند قلم و برجسته بودن آن، مورب، برجسته مورب یا دیگر شیوه‌های معمول) تحت تأثیر قواعد حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه یا زبان‌ویژه هستند. آنها غالباً صورت‌های اختصاری هستند اما می‌توانند کارکردهای ارتباطی بیشتری داشته باشند.

نمادها باید به صورت معمول و مقرر در متن مورد نظر ارائه شود.

۲-۳-۶ وضعیت الزامی

وقتی بیش از یک نماد برای مفهوم واحدی در نظر گرفته شود، نمادها باید براساس اولویت‌بندی سازمان ملی استاندارد ارائه داده شوند و وضعیت الزامی آنها ذکر شود.

۴-۶ تعاریف

۱-۴-۶ نگارش تعاریف

۱-۱-۴-۶ قواعد کلی

نگارش تعاریف باید براساس قواعد و اصول مندرج در استاندارد ISO 704 باشد.

۲-۱-۴-۶ قوانین حوزه‌ویژه، موضوع‌ویژه و کاربردویژه

بعضی حوزه‌ها، موضوعات و کاربردها برای تعاریف ساختاری، قوانین خاصی دارند. برای مثال، مطابق با استاندارد ملی ایران شماره ۹۸۱۹-۱ کمیته فرعی می‌تواند در اصطلاحات براساس نظام کمیت‌ها تعریف شود. در عمل، هر کمیته فرعی با دیگر کمیته‌هایی که قبلاً تعریف شده‌اند، تعریف می‌شود.

مثال: در نظام کمیت‌ها، که دارای کمیت‌های اصلی طول و جرم است، چگالی جرم کمیته فرعی است که به صورت خارج قسمت جرم بر اندازه (طول به توان ۳) تعریف می‌شود

معمولاً یک نمایش غیرکلامی می‌تواند تعریف را کامل کند ولی نمی‌تواند جایگزین آن شود. باوجوداین، در برخی حوزه‌ها و موضوعات نمایش‌های غیرکلامی به صورت قراردادی به جای عبارت توصیفی به کار می‌رود. (به مثال‌های پیوست الف بند الف ۲-۱۷ مراجعه شود).

۲-۴-۶ تعیین حوزه یا موضوع

در صورت امکان، توصیه می‌شود تعریف در استاندارد به اندازه کافی کلی باشد.

- تا بتوان آن را در متون دیگری غیر از همان استاندارد به کار برد؛

- برای استفاده در استانداردهایی با حوزه مرتبط مناسب باشد.

برای تعریف مفاهیم تخصصی لازم است بیش از یک حوزه یا موضوع برای مقاصد گوناگون تعیین شود. اگر در یک استاندارد هم‌گروه لازم باشد چندین حوزه یا موضوع تعیین شود، برای اطمینان از اینکه حوزه‌ها و موضوع‌ها به شکلی نظام‌مند انتخاب شده‌اند، توصیه می‌شود نظام واحدی را در نظر گرفت تا آنها در استانداردهای گوناگون کارگروه آورده شوند و برای هر تعریفی تنها یک حوزه یا موضوع ذکر شود.

۳-۴-۶ الزامات تعاریف

تعریف نباید به شکل یک الزام یا شامل آن باشد.

یادآوری - در راهنمای ISO/IEC Directives، الزام چنین تعریف شده است: «عبارتی در محتوای یک مدرک که معیارهای لازم را رعایت می‌کند و هرگاه نیاز به اثبات آن باشد، قابل ارائه است و لغزشی در آن راه ندارد».

۴-۴-۶ تعریف مرجح

تعریف باید یک عبارت باشد که مفهوم را مشخص می‌کند و در صورت امکان جایگاه آن را در نظام مفهومی نشان می‌دهد. با استفاده از تعاریف فراگیر می‌توان به این ویژگی ضروری دست یافت. در تعریف فراگیر، بخش اصلی نشان می‌دهد این مفهوم به کدام مفهوم فرایه تعلق دارد و بخش دوم ویژگی‌های مرزگذاری را بیان می‌دارد که آن را از دیگر مفاهیم آن طبقه متمایز می‌سازد. (برای اطلاعات بیشتر به استانداردهای ISO 704 و ISO 1087-1 مراجعه شود).

۵-۴-۶ به‌کارگیری اصول جانشینی

اصول جانشینی که در بند ۴-۱-۱ ذکر شد باید در هر دو دستورالعمل اعمال شود. تعریف باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند جانشین اصطلاح شود. اطلاعات بیشتر باید در یادآوری‌ها و مثال‌ها بیاید. بنابراین، قوانین زیر باید رعایت شود. الف- تعریف باید همان مقولهٔ دستوری اصطلاح را داشته باشد، یعنی فعل باید با عبارت فعلی و اسم مفرد با مفرد تعریف شود.

ب- تعریف نباید با عباراتی چون «این اصطلاح برای بیان... به کار می‌رود» یا «این اصطلاح به معنی ... است» آغاز شود. هم‌چنین نباید به صورت «اصطلاح یعنی ...» یا «اصطلاح به معنی ... است» باشد.

۶-۴-۶ پرهیز از تکرار، شیوهٔ استناد و اصلاح تعاریف

۶-۴-۶-۱ برای پرهیز از تکرار در حد امکان باید به تعاریف استاندارد شده در دیگر استانداردها ارجاع داده شود. در مواردی که تکرار تعریف ضروری است (مثلاً هنگامی که فهم آن را آسان‌تر می‌کند) برای اطمینان از درستی آن، نقل قول باید کلمه به کلمه و با دقت فراوان باشد تا از خطا و عدم انسجام پرهیز شود، مگر آنکه همان‌گونه که در بند ۶-۴-۶-۲ توضیح داده شده است توجیه خوبی برای تغییر آن وجود داشته باشد. در صورت نیاز به سازگار کردن تعریف استاندارد شده یا به منظور انطباق با الزامات این استاندارد یا هنگام افزودن داده‌های اصطلاح شناختی در یک زبان جدید به مدخل موجود، چنین اصلاحاتی باید جزئی باشد. اگر تعریفی از استاندارد دیگری نقل شود، باید به اصلاحاتی که در همان استاندارد یا استاندارد دیگر تعریف شده‌اند، ارجاع متقابل داده شود. در مواردی که فقط اصلاحاتی در ارائهٔ اصطلاح صورت گرفته باشد، ارجاع به منبع باید مطابق با بند ۶-۸ مشخص شود. بهتر است جزئیات دقیق کاربرد تعریف در «یادآوری» توضیح داده شود (به بند ۶-۷ مراجعه شود).

۶-۴-۲ اگر اقتباس مستلزم تغییر ساختار تعریف باشد، برای مثال در مواقعی که نظام‌های مفهومی هم‌خوانی نداشته باشند، باید بتوان تعریف را اصلاح کرد. در چنین مواردی، مطابق با بند ۶-۸ پس از اشاره به منبع باید موارد تصحیح‌شده ذکر شود. قواعد مربوط به اصلاحات عمده ضروری دربارهٔ تحریف‌های مفهومی مهمی که وجود دارند یا به وجود خواهند آمد، در بند ۶-۹-۲ آمده است.

۶-۴-۷ ارجاع به اصطلاحات و نمادها در تعاریف

اصطلاحات مرجح و نمادهایی که در تعاریف استفاده می‌شوند باید عیناً نقل شوند، اگرچه برای پیروی از قواعد زبان موردنظر اقتباس شده باشند. به منظور شفاف‌سازی این مطلب برای کاربران، قواعد ارجاعی زیر باید رعایت شود:

الف- اصطلاح مرجح را می‌توان در هر جای استاندارد با قلم توپر درج کرد و شمارهٔ مدخل آن را آورد.
ب- اصطلاح مرجحی را که بر مفهوم معینی دلالت می‌کند می‌توان با قلم توپر درج کرد و اگر منبع آن معلوم بود، ذکر کرد و نیز شمارهٔ مدخل در همان منبع را آورد.
پ- نماد استاندارد شده در جای دیگری از همان استاندارد باید به شیوهٔ مقرر متن موردنظر نشان داده شود و پس از آن شمارهٔ مدخل درج شود.

ت- نمادی که بر مفهومی معین در مدرک دیگری دلالت دارد باید به شیوهٔ مقرر متن موردنظر نشان داده شود و اگر منبع آن معلوم باشد، ذکر شود و نیز شمارهٔ مدخل در همان منبع درج شود.
هرگاه اصطلاحی که در یک مدخل اصطلاح‌شناختی، استاندارد شده است در تعریف مدخل استاندارد دیگری استناد شود، می‌توان آن را با قلم توپر درج کرد. هنگامی که اصطلاح برای نخستین بار در متن درج می‌شود اگر منبع آن معلوم بود، ذکر شود و پس از آن شمارهٔ مدخل اصطلاح‌شناختی در استاندارد دیگر درج شود.
شیوهٔ نگارش حروف در نمادها معنی‌دار است، از این رو نمی‌توان آنها را با قلم برجسته، مورب، مورب برجسته و دیگر شیوه‌های برجسته‌سازی مشخص کرد زیرا در معنای آنها تغییر ایجاد می‌شود. اگر وضعیت الزامی نماد باید مشخص شود، باید از شیوه‌های دیگر استفاده کرد (مانند شکل‌های دیگر برجسته‌سازی مثل سایه‌دار کردن یا استفاده از بیان کلامی تا وضعیت الزامی آن را مشخص کند).

۶-۵ نمایش‌های غیر کلامی

با نمایش‌های غیر کلامی می‌توان مفهوم را با مثال نشان داد. عموماً، بهتر است از آنها به جای تعریف استفاده نشود اما می‌توانند تعریف را کامل کنند، مگر در حوزه‌ها یا موضوعاتی که نمایش‌های غیر کلامی به صورت قراردادی به جای تعریف به کار می‌روند. (به مثال‌های پیوست الف بند الف ۲-۱۷ مراجعه شود).
نمایش‌های غیر کلامی در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی معمولاً شامل نمایش‌های دیداری هستند. مانند شکل‌ها (عکس‌ها و نمایش‌های تصویرنگاری، رسم‌های فنی، نقشه‌ها، نگاره‌ها، نمودارها و ...)، جدول‌ها و عبارت‌های ریاضی. در چنین نمایش‌های غیر کلامی رنگ از نظر نحوی معنی‌دار است.

یادآوری - نمایش‌های غیرکلامی می‌توانند شامل نقشه‌های مفهومی، نقشه‌های موضوعی، تجسمات ذهنی، علائم غیرقراردادی (مانند آنچه در نام‌های تجاری می‌آید مثل سه‌بعدی و دیگر اشکال) صداها، بوها و تصویرهای متحرک (شامل طراحی‌های پویانمایی) باشند. با وجود این، بیشتر این موارد در مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد نمی‌آیند.

هنگامی که در نمایش غیرکلامی از یک مرجع بین‌المللی استناد می‌شود، نام مرجع مطابق با بند ۶-۸ باید ذکر شود.

نمایش غیرکلامی با ذکر یادآوری کامل می‌شود (به بند ۶-۷ مراجعه شود).

اگر در مدخل اصطلاح‌شناختی بیش از یک نمایش غیرکلامی وجود داشته باشد، شماره‌گذاری جایز است. اگر در بیش از یک مدخل به نمایش غیرکلامی اشاره داشته باشد، می‌توان آن را در هر مدخلی تکرار کرد یا با نماد «مراجعه شود» همراه با ارجاع به جایگاه ذکر آن در استاندارد، نشان داد. استفاده از «مراجعه شود» در مواردی مفید است که اندازه نمایش‌های غیرکلامی بزرگ است و در استانداردهایی که تمام نمایش‌های غیرکلامی به صورت یکجا در قسمت ویژه نمایش‌های غیرکلامی گردآوری می‌شوند.

۶-۶ مثال‌ها

مثال‌ها اطلاعاتی درباره مفهوم ارائه می‌کنند. مثال‌ها وابسته به زبان یا فرهنگ هستند. مثال منفرد نباید شماره‌گذاری شود. هنگامی که چندین مثال در یک مدخل وجود دارد، باید به ترتیب شماره بیابند.

هنگامی که مثالی از جایی استناد شود، باید مطابق با بند ۶-۸ منبع آن ذکر شود.

۶-۷ یادآوری‌ها

یادآوری‌ها اطلاعات بیشتری را در مورد داده‌های مدخل ارائه می‌کنند. بهتر است اطلاعاتی که در یادآوری‌ها ارائه می‌شود به وضوح رده داده‌ای که به آن ارجاع شده است را مشخص کند؛ یعنی اصطلاح، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف، بافت، نمایش غیرکلامی، مثال، کل مدخل اصطلاح‌شناختی. در مواقعی که یادآوری از منبع دیگری گرفته شده باشد، توصیه می‌شود منبع آن مطابق با بند ۶-۸ ذکر شود.

در هر استاندارد احتمال ارجاع جداگانه به هر یادآوری باید وجود داشته باشد. در حد امکان، یادآوری بهتر است هم‌نویسه یا متضاد را مشخص کند. توصیه می‌شود برای اطلاع بیشتر توضیحی کوتاه درباره هم‌نویسه یا متضاد افزوده شود. منبع این اطلاع، اگر شناخته شده باشد، باید ذکر شود و پس از آن شماره مدخل استاندارد درج شود.

۶-۸ منبع مدخل اصطلاح‌شناختی

اگر کل مدخل اصطلاح‌شناختی، یک بخش زبانی از مدخل، اصطلاح، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف، بافت، نمایش غیرکلامی یا مثالی از استاندارد دیگری، از یک نامگان هماهنگ یا یک برنامه طبقه‌بندی شده بیرونی گرفته شده باشد، توصیه می‌شود نام منبع ذکر شود و اصلاحات منبع با افزودن توضیحی بر آن مشخص و واضح شود. بهتر است داده یا رده داده‌هایی که منبع به آن اشاره می‌کند، ذکر شود.

توصیه می‌شود ذکر منبع به شکل شناسه یا پیوند یا ارجاع به یک توصیف کتاب‌نگاشتی استاندارد باشد.

یادآوری - در استانداردهای ملی ارجاع به منبع:

- در دادگان‌ها مطابق با استاندارد ISO 12615 شناسه‌گذاری می‌شود؛
- در مدارک ترجمه‌شده پیش‌نویس‌هایی مطابق با راهنمای ISO/IEC Directives تهیه می‌شود که بتوان به مدارک ISO/IEC و مطابق با استاندارد ملی ایران شماره ۱۴۶۸۹ به دیگر مدارک ارجاع داد. اگر ارجاع به مدارک ISO/IEC در کتاب‌شناسی آمده باشد، مطابق با راهنمای ISO/IEC Directives باید از یک شناسانه استفاده شود.

۶-۹ استفاده دوباره از مدخل

۶-۹-۱ پرهیز از تضاد میان مدخل‌هایی که بر مفاهیمی یکسان یا مشابه دلالت می‌کنند

- هرگاه ممکن باشد برای پرهیز از تضاد، باید به جای تکرار به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد یا بخش‌هایی از آن یا به تعریف‌های آن در دیگر استانداردها ارجاع داد.
- چنین ارجاعاتی ممکن است در هر یک از موارد زیر صورت پذیرند:
- بین کل مدخل‌هایی که بیانگر مفهومی یکسان یا مشابه هستند؛
- بین بخشی از مدخل‌ها در مدخل‌های مختلفی که بیانگر مفهومی یکسان یا مشابه هستند؛
- بین تعاریف مدخل‌هایی که بیانگر مفهومی یکسان یا مشابه هستند.

اگر تکرار کل مدخل یا بخشی از آن ضروری باشد (برای مثال برای فهم بهتر آن) نقل قول باید کلمه به کلمه و در نهایت دقت انجام شود تا کامل بوده و از خطا و عدم‌انسجام به دور باشد، مگر آنکه توجیه خوبی برای تغییر مدخل وجود داشته باشد. در چنین مواردی باید از قوانین مذکور در بند ۶-۴-۶-۲ برای سازگاری تعاریف پیروی شود.

۶-۹-۲ اصلاحات عمده در تعاریف

اگر لازم باشد اصطلاحی که پیشتر در استاندارد دیگری تعریف و استاندارد شده است، اصلاح شود باید به همان استاندارد ارجاع داده شود و اصلاحات با سازگاری میان دو استاندارد انجام شود. تعریف جدیدی که با تعریف پیشین فرق دارد یا با آن در تضاد است نباید در نگارش قرار بگیرد، مگر آنکه تمام یا بخشی از تعریف پیشین برای مفهوم منقضی شده باشد.

۶-۹-۳ ارجاع متقابل به مدخل اصطلاح‌شناختی

۶-۹-۳-۱ داده‌های اصطلاح‌شناختی استاندارد می‌تواند به موارد زیر ارجاع متقابل داده شوند:

- مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در همان استاندارد؛
- مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در همان مجموعه استاندارد (مانند بخش‌های گوناگون استاندارد یا استانداردهای مختلف)؛
- مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در استانداردهای دیگر؛
- اطلاعات اصطلاح‌شناختی که در دیگر منابع ترجیحاً معتبر می‌آیند.

۶-۹-۳-۲ در ارجاع متقابل به داده‌های اصطلاح‌شناختی باید نهایت دقت در موارد زیر صورت پذیرد:
- از هم‌نویسه‌ها و عدم انسجام‌ها در کاربرد اصطلاح جلوگیری شود (به بند ۶-۲-۴ مراجعه شود)؛
- در کل متن استاندارد از اصطلاح مرجح استفاده مداوم شود؛
- در تعاریف به اصطلاحات و نمادها درست ارجاع داده شود. (به بند ۶-۴-۷ مراجعه شود).
۶-۹-۳-۳ صورت‌های کامل و اختصاری اصطلاحات مجاز در نمایه‌های مناسب (به بند ۷ مراجعه شود)، ترجیحاً پس از اصطلاحات مرجح درج شوند (یا اگر بیش از یک اصطلاح مرجح وجود دارد پس از نخستین اصطلاح مرجح بیاید).

۷ نمایه‌ها^۱

۷-۱ هدف نمایه‌ها

هدف از نمایه‌ها دستیابی آسان به مدخل‌های اصطلاح‌شناختی با استفاده از چیدمان‌های متفاوت است تا مجبور به جستجو در متن نباشیم. برای تهیه یک نمایه باید موارد زیر را در نظر داشت:
- گزینش معیارهایی برای آنکه چه اطلاعاتی در نمایه درج شود (مانند اصطلاحات همراه با اطلاعات کاربردی آنها در یک زبان)؛
- قواعدی برای ترتیب نمایه (مانند ترتیب نحوی، ترتیب آمیخته یا ترتیب زبان‌ویژه) که در بند ۵-۱ توضیح داده شده است؛
علاوه بر این، عنصر منبع نیز باید انتخاب شود، مانند شماره مدخل اصطلاح‌شناختی در استاندارد که به آن ارجاع داده می‌شود.

یادآوری- در هر استاندارد معین، تمام مدخل‌های اصطلاح‌شناختی براساس طبقه‌بندی بین‌المللی استانداردها (ICS) و با شماره مسلسل کارگروه مربوط به طور غیرمستقیم فهرست‌بندی می‌شوند. این فهرست‌بندی غیرمستقیم می‌تواند در دادگان‌های اصطلاح‌شناسی روشن شود تا از راهبردهای مختلف جستجو حمایت کند.

۷-۲ نمایه‌های استانداردهای اصطلاح‌شناسی با ترتیب زبان‌ویژه

اگر استاندارد با ترتیب زبان‌ویژه بند ۵-۱-۴ تنظیم شده باشد، مدخل‌های نمایه باید براساس شیوه رایج یا قراردادهای معتبر زبانی مانند ترتیب الفبایی باشد.
در هر استاندارد اصطلاح‌شناسی که مدخل‌ها با استفاده از ترتیب زبان‌ویژه مرتب شده باشند، می‌توان نمایه‌ای از ترتیب نظام‌مند یا ترتیب آمیخته را نیز افزود.

۷-۳ اشاره به وضعیت الزامی

توصیه می‌شود به شماره مدخل یا اصطلاح مربوط در صورت مرجح خود ارجاع داده شود. به‌علاوه، استفاده از صورت جابجاشده عناصر اصطلاح یعنی «مجاز، اصطلاح» برای اصطلاحات چندکلمه‌ای یا مرکب شیوه رایجی است.

مثال ۱:

چندزبانه، مدخل اصطلاح‌شناختی ۱-۲-۳

...

مدخل اصطلاح‌شناختی چندزبانه ۱-۲-۳

مدخل اصطلاح‌شناختی، چندزبانه ۱-۲-۳

...

اگر اصطلاحات مجاز و منسوخ در نمایه آورده شوند باید به صورت درست اصطلاح مرجح، یعنی با استفاده از ارجاع «مراجعه شود» ارجاع داده شود.

مثال ۲:

اصطلاح مجاز..... به اصطلاح مرجح مراجعه شود ۳-۱-۲

اصطلاح منسوخ..... به اصطلاح مرجح مراجعه شود ۳-۱-۲

اصطلاح مرجح..... ۳-۱-۲

مجاز، اصطلاح..... به اصطلاح مرجح مراجعه شود ۳-۱-۲

منسوخ، اصطلاح..... به اصطلاح مرجح مراجعه شود ۳-۱-۲

مرجح، اصطلاح..... ۳-۱-۲

۷-۴ نمایه تمام کلیدواژه‌های اصطلاحات و دیگر بازنمودهای کلامی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

اگر نمایه‌ای از تمام کلیدواژه‌های اصطلاحات و دیگر بازنمودهای کلامی مدخل‌های اصطلاح‌شناختی داشته باشیم که با ترتیب زبان‌ویژه منظم شده باشد، قواعد بندهای ۳-۸ و ۴-۸ به کار گرفته می‌شوند. توصیه می‌شود ذیل هر کلیدواژه در نمایه، فهرستی از تمام اصطلاحات و دیگر بازنمودهای کلامی که دارای این کلیدواژه هستند، درج شود. برای تسهیل جستجو، همان قواعد ترتیبی برای عناصر هر اصطلاح پیچیده (مانند اصطلاحات مرکب و چندکلمه‌ای) رعایت می‌شود.

مثال ۱:

مجاز

اصطلاح مجاز ۳-۱-۲

مرجح

اصطلاح مرجح ۳-۱-۲

اصطلاح

اصطلاح مجاز ۳-۱-۲

اصطلاح مرجح ۳-۱-۲

مثال ۲:

مدخل

مدخل اصطلاح‌شناختی یک‌زبانه ۱-۲-۳

مدخل اصطلاح‌شناختی چندزبانه ۱-۲-۳

...

چندزبانه

مدخل اصطلاح‌شناختی چندزبانه ۱-۲-۳

...

اصطلاح‌شناختی

مدخل اصطلاح‌شناختی یک‌زبانه ۱-۲-۳

مدخل اصطلاح‌شناختی چندزبانه ۱-۲-۳

پیوست الف

(اطلاعاتی)

مثال‌های چیدمان، ارائه و نگارش مدخل‌های اصطلاح‌شناختی مطابق با این استاندارد

الف-۱ مثال‌های چیدمان و ارائه مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

الف-۱-۱ مدخل‌های اصطلاح‌شناختی در هر استاندارد باید آرایشی یکسان داشته باشند. این پیوست مثال‌هایی از چیدمان و ارائه مدخل‌هایی را که قرار است چاپ شوند، مطرح می‌کند تا الزامات ساختار و ارائه مدخل‌های این استاندارد را به تفصیل بیان کند و راهنمای کاربردی برای نگارش و ساختار بندی این مدخل‌ها است. این مثال‌ها برای نسخه چاپی کاربرد دارد و نسخه غیرچاپی موجود در دادگان را شامل نمی‌شود.

الف-۱-۲ قواعدی برای محتوا، صورت و شیوه است و ارائه و چیدمان مدخلی را که شامل تمام رده‌های داده‌های اولیه و رده‌های داده‌های ثانویه مرتبط به آنهاست به تفصیل بیان می‌کند؛ ممکن است عملاً در هر مدخلی تمام رده‌های داده‌ها وجود نداشته باشد.

الف-۱-۳ قواعد معمول برای محتوا، صورت و شیوه است و توضیحی درباره ارائه هر یک از رده‌های داده‌های اولیه و رده‌های داده‌های ثانویه مرتبط را بیان می‌کند.

الف-۱-۲ چیدمان معمول و ارائه مدخل اصطلاح‌شناختی

شکل الف-۱ نمونه چیدمان معمول و ارائه مدخل اصطلاح‌شناختی تمام رده‌های داده‌ها را نشان می‌دهد.

##

اصطلاح مرجح، اعراب‌گذاری شمار هویت دستوری شناسه کشور

اصطلاح مجاز، اعراب‌گذاری شمار هویت دستوری شناسه کشور

منسوخ: اصطلاح منسوخ، اعراب‌گذاری شمار هویت دستوری شناسه کشور

در حوزه یا موضوع، تعریف ... تعریف ... اصطلاح ارجاعی (##) ... تعریف ... تعریف ... تعریف

نمایش‌های غیرکلامی یا «مراجعه شود»

مثال شاهد مثال

یادآوری #: اطلاعات افزوده مربوط به اصطلاح (ها)، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف، نمایش‌های

غیرکلامی، مثال، کل مدخل اصطلاح‌شناختی.

[منبع: نشان(های) منبع، در صورت امکان برای اصطلاح (ها)، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف،

نمایش‌های غیرکلامی، مثال.]

یادآوری ۱-## دلالت بر شماره مدخل اصطلاح‌شناختی دارد.

یادآوری ۲- نماد حرفی در این مثال به عنوان بازنمود ثانویه مفهوم نشان داده شده است. پس از نماد نگاشتاری لازم نیست زبان یا خط بیاید.

شکل الف - ۱ چیدمان معمول و ارائه مدخل اصطلاح‌شناختی

الف-۱-۳ قواعد ارائه هر یک از رده‌های داده‌های اولیه و داده‌های ثانویه مرتب

الف-۱-۳-۱ شماره مدخل

جایگاه

در آغاز مدخل اصطلاح‌شناختی

قلم

برجسته

الف-۱-۳-۲ اصطلاحات

الف-۱-۳-۲-۱ اصطلاح (های) مرجح

جایگاه

در یک سطر جداگانه، پس از شماره مدخل. اگر بیش از یک اصطلاح مرجح داشته باشیم، هر یک از آنها پس از دیگری در سر سطر می‌آید.

قلم

برجسته

الف-۱-۳-۲-۲ اصطلاح (های) مجاز

جایگاه

در سطر جداگانه، پس از اصطلاح (های) مرجح. اگر بیش از یک اصطلاح مجاز داشته باشیم، هر یک از آنها پس از دیگری در سر سطر می‌آید.

قلم

عادی

الف-۱-۳-۲-۳ اصطلاح (های) منسوخ

جایگاه

در سطر جداگانه، پس از اصطلاح (های) مجاز. اگر بیش از یک اصطلاح منسوخ داشته باشیم، هر یک از آنها پس از دیگری در سر سطر می‌آید.

قلم

عادی، پس از «منسوخ»

الف-۱-۳-۲-۴ صورت نوشتاری، اطلاعات دستوری و اطلاعات کاربردی

محتوا

اطلاعات دستوری برای مواردی که در زیر مشخص شده است، می‌آید:

- برای شمار: مف. (برای مفرد) و ج. (برای جمع)؛
- برای مقوله دستوری: ا. (برای اسم)، ف. (برای فعل)، ص. (برای صفت) و ق. (برای قید).

گونناگونی جغرافیایی یا خطی دلالت بر استفاده از شناسه‌های دوحرفی زبان مطابق با ISO 639 (نام زبان‌ها) است. اگر لازم باشد شناسه دوحرفی کاربرد جغرافیایی مطابق با ISO 3166 (نام کشورها و تقسیمات فرعی آنها) یا شناسه خط مطابق با ISO 15924 (نام خط‌ها) نیز ذکر شود.

جایگاه

پس از اصطلاح مربوط در همان سطر. اطلاعات کاربردی اولیه با یک ویپرگول از اصطلاح جدا شود. هر یک از کاربردهای بعدی با یک فاصله پس از آن بیاید.

قلم

صورت نوشتاری، اطلاعات دستوری و اطلاعات کاربردی، عادی

اعراب‌گذاری: در صورت لزوم اعراب‌گذاری بر روی اصطلاحات

الف-۱-۳-۲-۵ هم‌نویسه‌ها در اصطلاحات مرجح، مجاز و منسوخ

جایگاه

مانند «یادآوری» (به پیوست الف بند الف ۱-۳-۷ مراجعه شود).

قلم

مانند «یادآوری» مدخل. اگر یک هم‌نویسه در مدخل دیگری به عنوان اصطلاح مرجح استاندارد شده بود، به صورت مورب همراه با اطلاعات منبع آن درج شود.

الف-۱-۳-۳ نماد حرفی و نماد نگاشتاری

محتوا

در صورت اقتضا، پس از اطلاعات کاربردی بیاید.

جایگاه

اگر نماد به صورت بازنمود مرجح باشد پس از اصطلاح(های) مرجح درج شود. هنگامی که بیش از یک نماد بازنمود مرجح وجود داشته باشد، هر نمادی به ترتیب در سطر جداگانه درج شود.

اگر نماد به صورت بازنمود اصطلاح مرجح نباشد، پس از اصطلاحات مرجح، مجاز و منسوخ (در صورت امکان با اطلاعات مرتبط) در سطر جداگانه درج شود. هنگامی که بیش از یک نمادی که بازنمود مرجح نیست وجود داشته باشد، هر نمادی به ترتیب در سطر جداگانه بیاید.

قلم

کمیت‌ها و یکاها به همان شیوه‌ای که در راهنمای ISO/IEC Directives درج شده است.

برای آن دسته از نمادهای حرفی که در راهنمای ISO/IEC Directives تعریف نشده‌اند، مطابق با شیوه‌های قراردادی متن موردنظر عمل شود.

اطلاعات کاربردی: عادی

الف-۱-۳-۴ تعاریف، تعیین حوزه یا موضوع

جایگاه

در سطری جداگانه پس از نماد

قلم

یادآوری- در سازمان بین المللی الکتروتکنیک IEC اطلاعات کاربردی مربوط به «کاربرد خاص» اصطلاح می تواند مکمل اصطلاح باشد اما همان گونه که در این استاندارد توضیح داده شد، لزوماً حوزه یا موضوع نیست. سازمان بین المللی استانداردسازی ISO کاربرد خاص را تعیین نمی کند.

تعریف: عادی مگر در موارد زیر:

- نمادهای حرفی، نمادهای نگاشتاری و دیگر بازنمودهای غیرکلامی که به صورت قراردادی در متن مورد نظر به کار رفته اند؛
- اصطلاحات ارجاعی که اگر در همان استاندارد یا استاندارد دیگری به تصویب نهایی رسیده باشند، در اولین نمایش به صورت مورب نوشته می شوند.

تعاریف اگر به صورت عبارت نوشته شوند، پس از آنها لازم نیست نقطه گذاشته شود.

الف-۱-۳-۵ نمایش های غیر کلامی

جایگاه

با یک سطر فاصله، در سطری جداگانه، پس از تعریف.

قلم

همان گونه که به صورت قراردادی در حوزه مربوط استفاده می شود.

هنگامی که یک نمایش غیرکلامی پیچیده برای آنکه در زیر مدخل جای گیرد، بیش از حد استاندارد طولانی باشد یا در زیر یکی از چندین مدخل قرار گرفته باشد، از اختصار «مراجعه شود» پس از نام ارجاع به زیربندها یا مدخلی که این نمایش در آن درج شده است، استفاده می شود (به مثال پیوست الف بند الف ۲-۱۹ مراجعه شود).

الف-۱-۳-۶ مثال

جایگاه

با یک سطر فاصله، در سطری جداگانه پس از تمام نمایش های غیرکلامی.

قلم

پس از «مثال» با قلم عادی درج می شود جز در موارد زیر:

- نمادهای حرفی، نمادهای نگاشتاری و دیگر بازنمودهای غیرکلامی که به صورت قراردادی در متن مورد نظر استفاده می شوند؛

اصطلاحات ارجاعی که اگر در همان استاندارد یا استاندارد دیگری به تصویب نهایی رسیده باشند، در اولین نمایش به صورت مورب نوشته می‌شوند. (به مثال پیوست الف بند الف ۲-۲۵ مراجعه شود).

الف-۱-۳-۷ یادآوری (شامل یادآوری مدخل، نماد حرفی، نماد نگاشتاری، تعریف، نمایش‌های غیرکلامی، مثال، کل مدخل اصطلاح‌شناختی)

جایگاه

با یک سطر فاصله، در سطری جداگانه پس از مثال
قلم

در آغاز کلمه «یادآوری» درج می‌شود و پس از آن متن با قلم عادی، یادآوری‌ها برای هر مدخلی با اعداد فارسی به ترتیب از عدد ۱ آغاز می‌شود. قلم در موارد زیر عادی نیست:

- نمادهای نگاشتاری و دیگر بازنمودهای غیرکلامی که به صورت قراردادی در متن مورد نظر استفاده می‌شوند؛
- اصطلاحات ارجاعی که اگر در همان استاندارد یا استاندارد دیگری به تصویب نهایی رسیده باشند، در اولین نمایش به صورت مورب نوشته می‌شوند.

الف-۱-۳-۸ منبع مدخل کامل اصطلاح‌شناختی

جایگاه

با یک سطر فاصله، در سطری جداگانه در پایان مدخل یا بخش زبانی آن.
قلم

عادی، پس از «منبع:» در میان دو قلاب «[...]» بیاید. (به مثال پیوست الف بند الف ۲-۱۳ مراجعه شود).
ارجاعات منبع به مدرک‌های ترجمه‌شده باید مطابق با استاندارد ملی ایران شماره ۵ و استاندارد ISO 690 نوشته شود. این مدرک‌های ارجاعی پس از نشانه منبع، یا در یک کتاب‌نگاشت مشخص می‌شوند. اگر در یک کتاب‌نگاشت درج شوند، با استفاده از یک شناسانه به آنها ارجاع داده می‌شود (مانند ارجاع [۱] یا ^[۱]) (به مثال پیوست الف بند الف ۲-۱۶ مراجعه شود). اگر منبع تصحیح شده باشد، در اشاره به منبع کلمه «تصحیح‌شده» همراه با توضیحات اصلاحی می‌آید.

الف-۱-۳-۹ ارجاع متقابل به اصطلاحات، نمادها و دیگر بازنمودهای استانداردشده

جایگاه

در تعریف، مثال یا یادآوری.

قلم

- مورب جز برای نمادهای حرفی، نمادهای نگاشتاری و دیگر بازنمودهای غیرکلامی که به صورت قراردادی در متن مورد نظر استفاده می‌شوند،

پس از آن:

- اگر به اصطلاحی که در همان استاندارد تعریف شده باشد، ارجاع متقابل داده شود، شماره مدخل اصطلاح ارجاعی درون دو کمان درج می‌شود «(...)» (به مثال پیوست الف بند الف ۲-۲۶ مراجعه شود).
- اگر اصطلاح ارجاعی در استاندارد دیگری تعریف شده باشد، در صورت شناخته‌بودن، به منبع مدرک اشاره می‌شود و شماره مدخل اصطلاح درون دو کمان آورده می‌شود «(...)».

الف - ۲ مثال‌های مدخل‌های اصطلاح‌شناختی

الف - ۲-۱ کلیات

برای توضیح قواعدی که در این استاندارد درج شده است، یک سلسله مثال تهیه شده است. تمام مثال‌ها شامل رده‌های اجباری داده‌ها هستند که عبارت‌اند از: شماره مدخل (بند ۶-۱)، اصطلاح یا علامت پنج نقطه (بند ۶-۲) و یک تعریف (بند ۶-۴). جدول الف-۱ رده‌های افزوده داده‌ها را که در هر مثال اشاره شده است، نشان می‌دهد.

بیشتر مثال‌ها برای توصیف یک اصطلاح، از مدرک‌های موجود استاندارد گرفته شده است، اما چیدمان آنها برای سازگاری با قواعد این استاندارد اصلاح شده است.

از آنجاکه مثال‌ها طیف گسترده‌ای از محتواها را برای توضیح یک یا دو قانون شامل می‌شوند، هر مثال درون چارچوب ارائه شده است تا مصداق آن را نشان دهد. هیچ ارتباطی میان مثال‌ها وجود ندارد. بنابراین، شماره مدخل‌ها نمایانگر سلسله مراتب نیست.

جدول الف- ۱ نگاهی به رده‌های داده و قواعد هر مثال

رده‌های داده‌های افزوده											توضیح مثال	مثال	ارجاع به قواعد برای ساختار و نگارش				
نماد	منبع رده‌های داده‌های متفاوت	یادآوری	مثال	نمایش غیر کلامی	ارجاع	حوزه یا موضوع	اعراب‌گذاری	اصطلاح مرجع مفقود	زبان خط و کاربرد جغرافیایی	اطلاعات دستوری				هم‌نویسه (ها)	اصطلاح(های) منسوخ	اصطلاح‌های مجاز	شکل کوته‌نوشت
														X	بند اصطلاحات و تعاریف با دو مدخل اصطلاح شناختی	الف-۲-۲	بندهای ۱-۶، ۲-۶ و ۴-۶ راهنمای ISO/IEC Directives
		X			X								X	X	اصطلاح مرجع و دو اصطلاح مجاز، اصطلاح دوم هریک شکل اختصاری است	الف-۲-۳	بندهای ۱-۲-۲-۶ و ۲-۲-۶ پیوست الف-۱-۲-۳-۱ الف-۱-۲-۳-۱
		X										X			اصطلاحات منسوخ	الف-۲-۴	بندهای ۲-۲-۳، پیوست الف-۱-۲-۳-۱
		X			X							X	X	X	چندین اصطلاح مرجع و منسوخ	الف-۲-۵	بندهای ۱-۲-۲-۶ و ۳-۲-۲-۶ پیوست الف-۱-۲-۳-۱ و الف-۱-۲-۳-۱
									X	X					دو اصطلاح مرجع با زبان‌های آنها	الف-۲-۶	بندهای ۱-۲-۲-۶ پیوست الف-۱-۲-۳-۱ الف-۱-۲-۳-۱

ادامه جدول الف - ۱

رده‌های داده‌های افزوده											توضیح مثال	مثال	ارجاع به قواعد برای ساختار و نگارش				
نماد	منبع رده‌های داده‌های متفاوت	یادآوری	مثال	نمایش غیر کلامی	ارجاع	حوزه یا موضوع	اعراب‌گذاری	اصطلاح مرجع مفقود	زبان، خط و کاربرد جغرافیایی	اطلاعات دستوری				هم‌نویسه (ها)	اصطلاح(های) منسوخ	اصطلاح‌های مجاز	شکل کوته‌نوشت
								X	X						نبود اصطلاح مرجع در یک زبان	الف-۲-۷	بندهای ۱-۲-۲-۶، ۷-۲-۶ پیوست الف-۱-۲
	X						X								اعراب‌گذاری	الف-۲-۸	بندهای ۵-۳-۲-۶، الف-۱-۲-۳-۴
X	X								X						نمادها	الف-۲-۹	بندهای ۳-۶، پیوست الف-۱-۳-۳
		X			X					X	X				هم‌نویسه‌ها و مقوله‌های دستوری	الف-۲-۱۰	بندهای ۶-۲-۶، پیوست الف-۱-۲-۳-۴ و الف-۱-۲-۳-۵
X		X			X				X		X				حوزه یا نشان موضوعی	الف-۲-۱۱	بندهای ۲-۴-۶، پیوست الف-۱-۳-۴
								X	X						شیوه‌های تقسیم بندی درون یک تعریف	الف-۲-۱۲	بندهای ۴-۶
	X	X			X				X					X	تعریف استناد شده از استاندارد دیگر	الف-۲-۱۳	بندهای ۸-۶، پیوست الف-۱-۳-۸
	X				X				X						تعریف اصلاح شده از استاندارد دیگر	الف-۲-۱۴	بندهای ۲-۶-۴-۶، ۸-۶ و ۱-۹-۶ پیوست الف-۱-۳-۸

ادامه جدول الف - ۱

رده‌های داده‌های افزوده											توضیح مثال	مثال	ارجاع به قواعد برای ساختار و نگارش				
نماد	منبع رده‌های داده‌های متفاوت	یادآوری	مثال	نمایش غیر کلامی	ارجاع	حوزه یا موضوع	اعراب‌گذاری	اصطلاح مرجع مفقود	زبان، خط و کاربرد جغرافیایی	اطلاعات دستوری				هم‌نویسه (ها)	اصطلاح(های) منسوخ	اصطلاح‌های مجاز	شکل کوتاه‌نوشت
	X				X								X		مدخل اصطلاح شناختی استنادشده از استاندارد دیگر و ارجاع به منبعی از استنادردی دیگر درون تعریف	الف-۲-۱۵	بند ۶-۸، پیوست الف-۱-۳-۸
	X		X												گونه‌های متفاوت منبع	الف-۲-۱۶	بندهای ۳-۴-۶-۲، ۶-۸ و ۶-۹-۲، پیوست الف-۱-۳-۸
X				X					X	X					نمایش‌های غیر کلامی در موقعیت تعریف	الف-۲-۱۷	بند ۵-۶، پیوست الف-۱-۳-۵
X		X		X					X						نمایش‌های غیر کلامی درون یادآوری بر مدخل	الف-۲-۱۸	بند ۵-۶، الف-۱-۳-۷
				X	X										نمایش‌های غیر کلامی که مرجع «مراجعه شود» جایگزین آنها می‌شود	الف-۲-۱۹	بند ۵-۶، الف-۱-۳-۵

ادامه جدول الف-۱

رده‌های داده‌های افزوده											توضیح مثال	مثال	ارجاع به قواعد برای ساختار و پیش‌نویس				
نماد	منبع رده‌های داده‌های متفاوت	یادآوری	مثال	نمایش غیر کلامی	ارجاع	حوزه یا موضوع	اعراب‌گذاری	اصطلاح مرجع مفقود	زبان، خط و کاربرد جغرافیایی	اطلاعات دستوری				هم‌نویسه (ها)	اصطلاح(های) منسوخ	اصطلاح‌های مجاز	شکل کوتاه‌نوشت
				X					X	X			X		نمایش‌های غیر کلامی رایج با اطلاعات دستوری	الف-۲-۲۰	بند ۵-۶، پیوست الف-۱-۳-۵ و الف-۱-۳-۷
	X		X												استناد مدخل اصطلاح شناختی دارای مثال	الف-۲-۲۱	بند های ۶-۶ و ۶-۸، پیوست الف-۱-۳-۶
		X													چگونگی اصلاح مدخل اصطلاح شناختی پانوشت‌دار برای هماهنگی با این استاندارد	الف-۲-۲۲	بند ۴-۶
X		X			X				X						مدخل اصطلاح شناختی با یادآوری بر مدخل و جدول	الف-۲-۲۳	بند ۷-۶، پیوست الف-۱-۳-۷
		X							X						مدخل‌های اصطلاح شناختی با یادآوری‌های مشروط	الف-۲-۲۴	بند ۷-۶
		X	X		X										مثال	الف-۲-۲۵	بند ۶-۶، پیوست الف-۱-۳-۶

ادامه جدول الف-۱

رده‌های داده‌های افزوده											توضیح مثال	مثال	ارجاع به قواعد برای ساختار و پیش‌نویس				
نماد	منبع رده‌های داده‌های متفاوت	یادآوری	مثال	نمایش غیر کلامی	ارجاع	حوزه یا موضوع	اعراب‌گذاری	اصطلاح مرجع مفقود	زبان، خط و کاربرد جغرافیایی	اطلاعات دستوری				هم‌نویسه (ها)	اصطلاح(های) منسوخ	اصطلاح‌های مجاز	شکل کوتاه‌نوشت
		X			X										ارجاع متقابل به اصطلاح دیگر	الف ۲-۲۶	بند ۶-۹-۳، پیوست الف-۱-۳-۹
X										X					شکل اولیه دستوری	الف ۲-۲۷	بند ۶-۲-۳-۳، پیوست الف-۱-۳-۲-۴

الف - ۲-۲ مثال بند اصطلاحات و تعاریف با دو مدخل اصطلاح‌شناختی

۳ اصطلاحات و تعاریف

برای اهداف این استاندارد، اصطلاحات و تعاریف استاندارد ISO 10871-1 و اصطلاحات و تعاریف زیر به کار می‌روند.

۱-۳

انعطاف‌پذیری / شناوری

برآیند نیروهای صعودی اعمال شده به وسیله آب بر روی یک جسم غوطه‌ور یا شناور، برابر است با وزن آبی که این جسم جابه‌جا می‌کند.

۲-۳

هنجار زبان‌شناختی

هز

مجموعه‌ای از قراردادهای زبانی که به‌صورت استاندارد زبان‌شناختی مشترک یک جامعه زبانی در نظر گرفته می‌شود.

الف-۲-۳ مثالی که اصطلاح مرجح و دو اصطلاح مجاز را نشان می‌دهد، دومین هر یک از آنها به شکل اختصاری می‌آید

۳-۱-۳

بازی‌های پارالمپیک

بازی‌های المپیک معلولان

بام

مجموعه‌ای از مسابقات ورزشی که مانند بازی‌های المپیک، برای ورزشکاران دارای معلولیت جسمی، در شش گروه بر پایه نوع و میزان معلولیت آنها برگزار می‌شود.

الف-۲-۴ مثال نمایش اصطلاحات منسوخ

۷-۲

هواپیما

اصطلاح منسوخ: طیاره

وسیله نقلیه هوایی شامل بدنه، دم و دو بال ثابت

یادآوری - اصطلاح عربی «طیاره» در گذشته نه چندان دور در فارسی رایج بود و فرهنگستان ایران (۱۳۱۴-۱۳۳۲) این اصطلاح را به‌جای آن برگزید.

۱۸-۴-۴

بیمارستان

اصطلاح منسوخ: مریضخانه

اصطلاح منسوخ: شفاخانه

اصطلاح منسوخ: دارالشفایا

محل پرستاری و معالجهٔ بیماران

یادآوری - در سال‌های قدیم و در دوره‌های مختلف برای این مفهوم اصطلاحات «مریضخانه، شفاخانه و دارالشفایا» متداول بود. اما به‌مرور واژهٔ «بیمارستان» جای همهٔ آنها را گرفت. واژهٔ بیمارستان نیز در منابعی چون انجمن‌آرا و ناظم‌الاطبایا به معنی عمارت و خانه‌ای برای معالجهٔ رایگان بیماران بی‌بضاعت ضبط شده است که در فارسی امروز معنی آن تغییر کرده است.

الف-۲-۵ مثال نمایش چند اصطلاح مرجح و اصطلاح منسوخ

پراکندگی

پراکنش

اصطلاح منسوخ: تفرق

افت نشانک بر اثر بی‌نظمی‌هایی که در محیط انتقال وجود دارد.

مجتمع بهزیستی

خانهٔ نوباوگان

پرورشگاه

اصطلاح منسوخ: یتیم‌خانه

اصطلاح منسوخ: دارالایتام

جایگاه نگهداری و پرورش کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست

الف-۲-۶ مثال نمایش دو اصطلاح مرجح با زبان‌های آنها

۲۴-۲

آسمان خراش (فارسی)

فلک بوس (فارسی تاجیکی)

ساختمان بسیار بلند چند طبقه با امکانات رفاهی

الف-۲-۷ مثال نمایش یک مدخل اصطلاح‌شناختی که در آن اصطلاح مرجحی در زبان‌های دیگر وجود ندارد

(فارسی)	(انگلیسی)
.....	Budget
گزارش مبالغ دریافتی و هزینه‌های پیش‌بینی‌شده دولت برای دوره زمانی مشخص در آینده معمولاً برای یکسال	A statement of a government's planned receipts and expenditures for some future period, normally a year

الف-۲-۸ مثال نمایش اعراب‌گذاری

۴-۱
أحیا / 'ahya/
زندگان
أحیا / 'ehya/
رونق و اعتبار بخشیدن

الف-۲-۹ مثال نمایش نمادها

۱-۵-۲
مقاومت
R
عنصرالکتریکی دوپایه‌ای که هنگام عبور جریان الکتریکی از آن، بین پایه‌هایش اختلاف ولتاژ ایجاد می‌شود.

متر
m
واحد استاندارد بین‌المللی اندازه‌گیری طول

الف - ۲-۱۰ مثال نمایش هم‌نویسه‌ها در یک استاندارد با مقوله‌های دستوری مختلف

۱۲-۳-۴

خزنده، ا.

جانوری که با کشاندن بدن خود بر روی زمین حرکت می‌کند.

۱۲-۴-۴

خزنده، ص.

دارای توانایی خزیدن

الف-۲-۱۱ مثال نمایش هم‌نویسه‌ها در یک استاندارد که در یک حوزه از نظر موضوعی متفاوت‌اند

۹۶-۴

آتش

آنچه از سوختن مواد به وجود آید و با گرما، شعله، و نور همراه باشد.

۹۷-۴

آتش

فرمان تیراندازی و شلیک کردن

۹۸-۴

آتش

عواطف تند؛ شور و شوق

۱-۱۲-۳

رنگانه‌زنی

در شیمی، به کار بردن محلول رزانه‌دار بر روی سطح متخلخل برای رنگی کردن آن

۲-۱۲-۳

رنگانه‌زنی

در مهندسی بسیار، علوم و فناوری رنگ، به کار بردن محلول رزانه‌دار بر روی سطح متخلخل برای رنگی کردن آن

۳-۱-۳

برش

در سینما و تلویزیون، گذر بلافاصله و بدون واسطه از نمایی به نمای دیگر

۴-۱-۳

برش

در رایانه و فناوری اطلاعات، جدا کردن قطعه‌ای از متن یا نگاره برای حذف یا جابه‌جایی آن

شکل نادرست نمایش هم‌نویسه‌ها:

۱-۵-۳

سترون ۱

کاملاً عاری از باکتری یا قارچ یا ویروس

۲-۵-۳

سترون ۲

ناتوان از تولید مثل

شکل نادرست نمایش هم‌نویسه‌ها:

۰۷ - ۰۹ - ۰۲

دوره کلاسیک ۱

دوره‌ای که ...

۰۸ - ۰۹ - ۰۲

دوره کلاسیک ۲

دوره‌ای که ...

الف-۲-۱۲ مثال نمایش شیوه‌های تقسیم بندی در یک تعریف

۳-۹

رنگ

جنبه‌ای از ادراک بصری دربرگیرنده سه بُعد

- فام،

- خلوص،

- روشنی

۳-۹

رنگ

جنبه‌ای از ادراک بصری دربرگیرنده سه بُعد

الف- فام،

ب- خلوص،

ج- روشنی

الف-۲-۱۳ مثال نمایش تعریف استنادشده از استاندارد دیگر

۷-۳

دادگان

مجموعه مرکزی داده‌ها که در دسترس کاربران قرار می‌گیرد.

[منبع: بند ۲-۱۸، استاندارد ISO 20252:2006]

الف-۲-۱۴ مثال نمایش تعریف اصلاح شده از استاندارد دیگر (به پیوست الف بند الف ۲-۱۱ و پیوست الف بند الف ۲-۱۸ مراجعه شود)

۱-۱-۳

واژه‌نامه استاندارد

استانداردی که در آن اصطلاحات (۱-۲-۴-۳) همراه با تعاریف (۱-۲-۴-۳) آنها و گاه نکته‌های توضیحی، تصاویر، مثال و جز آن درج می‌شود.
[منبع: بند ۲-۵، ISO/IEC Guide 2:2004] تصحیح شده- با حذف «معمولاً» پیش از «همراه با تعاریف آنها» این مدخل اصطلاح‌شناختی با دیگر اصطلاحات و تعاریف در این استاندارد هماهنگ شد.

الف-۲-۱۵ مثال نمایش مدخل اصطلاح‌شناختی استنادشده از استاندارد دیگر و ارجاع به منبعی از استاندارد دیگر درون تعریف

۴-۷-۳

بانک اصطلاحات

بانک داده‌های اصطلاح‌شناختی
بانک داده‌ها (بند ۶-۷، استاندارد ISO 1087-2:2000) شامل داده‌های اصطلاح‌شناختی (۱-۸-۳)
[منبع: بند ۶-۸، استاندارد ISO 1087-2:2000]

الف-۲-۱۶ مثال نمایش منابع گوناگون

۷-۳

زبان پیوندی

زبانی که صورت واژه آن ممکن است بیش از یک واژه داشته باشند، اما مرز واژه‌ها همواره مشخص است.
مثال: زبان‌های کره‌ای، ژاپنی، مجاری و ترکی از زبان‌های پیوندی هستند.
[منبع: (1.0)<43>(1989) ISBN 0-226-11433-3] تصحیح شده - در این استاندارد، «صورت واژه» به جای «واژه» و «واژه» به جای «تکواژه» قرار گرفت. مثال به آن افزوده شده است.

در مثال زیر، مرجع [۱] باید به شیوه‌ای که در ISO 690 مشخص شده است، در مرجع استاندارد ارائه شود:

۲۷-۳

خشکانش

خشک کردن

فرایند تغییر دادن ماده پوششی از حالت مایع به جامد با تبخیر حلال‌ها یا ایجاد واکنش‌های فیزیکی - شیمیایی یا هر دو

یادآوری ۱- اصطلاحات وابسته عبارت‌اند از زمان خشک‌شدن، خشک تماسی، خشکی سنباده‌خور.

[منبع: مرجع [۱].]

الف - ۲-۱۷ مثال نمایش غیرکلامی در تعاریف و اطلاعات دستوری

۱-۲-۱-۳

عدد گویا

$$\frac{m}{n}$$

که در آن :

m عدد صحیح

n عدد صحیح

شماره بند	نام	نماد	تعریف
بند ۸ استاندارد ISO 10545-4 2014	مقاومت خمشی (مدول گسیختگی) Modulus of rupture	R	مقدار حاصل از تقسیم عدد نیروی شکست محاسبه شده بر مجذور حداقل ضخامت سطح مقطع شکست ضربدر عدد ثابت $\frac{3}{2}$. $R = \frac{3Fl_2}{2bh^2}$ که در آن: R مقاومت خمشی (مدول گسیختگی)؛ F نیروی بارگذاری برحسب نیوتن؛ l _r فاصله بین دو تکیه‌گاه دستگاه مقاومت خمشی برحسب میلی‌متر؛ b عرض آزمون برحسب میلی‌متر؛ h حداقل ضخامت سطح مقطع شکست آزمون برحسب میلی‌متر است.

الف-۲-۱۸ مثال نمایش غیرکلامی داخل یادآوری

۱-۹۰-۲

بزرگ‌نمایی چشمی

M_E

بزرگ‌نمایی بصری در تصویر مجازی تشکیل شده از تصویر اولیه چشمی

یادآوری ۱ مربوط به مدخل: ارزش بزرگ‌نمایی چشمی

عبارت است از نسبت فاصله دید مرجع به فاصله کانونی چشمی،

$$\text{یعنی } M_E = 250 / f_E$$

که M_E بزرگ‌نمایی بصری چشمی؛

f_E فاصله کانونی چشمی بر حسب میلی‌متر

250 فاصله دید مرجع بر حسب میلی‌متر است.

الف-۲-۱۹ مثال نمایش غیرکلامی که مرجع «مراجعه شود» جایگزین آن شده است

۲-۲-۳

فشار مطلق

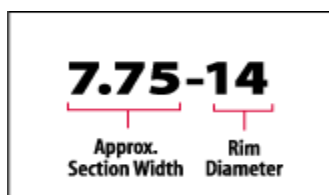
فشاری که از خلاء مطلق به عنوان مرجع استفاده می‌کند.
مراجعه شود: شکل‌های ۱ و ۲.

الف-۲-۲۰ مثال‌های نمایش غیرکلامی با اطلاعات دستوری

۵-۴

سامانه اندازه‌گذاری عددی

نوعی سامانه اندازه‌گذاری تایر که تا اواخر دهه ۶۰ میلادی در اروپا رایج بود و در آن فقط پهنای سطح مقطع تایر و قطر رینگ برحسب اینچ بیان می‌شد.

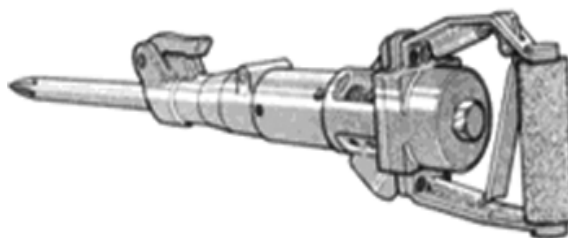


Numeric Sizing System

۲-۲-۱-۳

چکش سرکلنگی

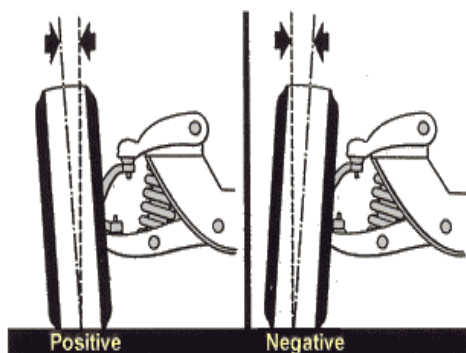
وسیله‌ای هیدرولیکی با سازوکار کوبشی برای تخریب‌های سبک، که معمولاً برای سطوح افقی از آن استفاده می‌شود.



۲-۱-۱-۱

کجی

در تایلر انحراف چرخ به درون یا بیرون نسبت به محور قائم آن



الف-۲-۲۱ مثال مدخل اصطلاح شناختی استنادشده دارای مثال

۱-۵-۱

افروختگی

درخششی که ناشی از احتراق یا دیگر واکنش‌های شیمیایی نباشد.

مثال: درخشش ناشی از گرمای الکتریکی رشته تنگستن

[منبع: ISO 472:1999]

الف - ۲-۲۲ مثال چگونگی اصلاح یک مدخل پانوشت‌دار برای هماهنگی با این استاندارد

مدخل پانوشت‌دار نادرست
۷-۳ مشخصه دستوری خصوصیتی مربوط به صورت‌های اشتقاقی، ترکیبی، تصریفی، پیوندی یادآوری- مثلاً اجنس دستوری/ از مشخصه‌های دستوری است. ^۳ ----- ۳- بر اساس قرارداد پذیرفته‌شده در نسخه تجدیدنظر ISO 12620، خط مایل برای محدود کردن رده داده‌ها به کار می‌رود.

مدخل ویرایش شده
۷-۳ مشخصه دستوری خصوصیتی مربوط به صورت‌های اشتقاقی (.....)، ترکیبی (.....)، تصریفی (.....)، پیوندی (.....) یادآوری ۱- مربوط به مدخل: مثلاً اجنس دستوری/ از مشخصه‌های دستوری است. (براساس قرارداد پذیرفته‌شده در نسخه تجدیدنظر ISO 12620، خط مایل برای محدود کردن رده داده‌ها به کار می‌رود).

الف - ۲-۲۳ مثال مدخل با یادآوری دارای جدول

۱۱-۹ خطای فراکاوی پویشی T_{ij} خطای نشانه‌ای که در آن دامنه شعاع‌های کره آزمایشی (۴-۸) را بتوان با یک سی/م/م CMM (۱-۲) تعیین کرد، اندازه‌گیری‌هایی که با پویش (۹-۲) انجام می‌شود، از یک قلم (۱-۴) استفاده می‌کنند. یادآوری ۱- مربوط به مدخل: چهار نوع خطای فراکاوی پویشی بر مبنای ترکیب‌های مختلف چگالی نقاط زیاد (۷-۸) یا چگالی نقاط کم (۷-۹)، پویش مسیر از پیش تعریف شده (۷-۵) یا پویش مسیر از پیش تعریف نشده (۷-۶) وجود دارد. این ترکیب‌ها در زیر آمده است:									
<table border="1"> <thead> <tr> <th>چگالی نقاط</th> <th>مسیر از پیش تعریف شده (j = P)</th> <th>مسیر از پیش تعریف نشده (j = N)</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>زیاد (i = H)</td> <td>T_{HP}</td> <td>T_{HN}</td> </tr> <tr> <td>کم (i = L)</td> <td>T_{LP}</td> <td>T_{LN}</td> </tr> </tbody> </table>	چگالی نقاط	مسیر از پیش تعریف شده (j = P)	مسیر از پیش تعریف نشده (j = N)	زیاد (i = H)	T_{HP}	T_{HN}	کم (i = L)	T_{LP}	T_{LN}
چگالی نقاط	مسیر از پیش تعریف شده (j = P)	مسیر از پیش تعریف نشده (j = N)							
زیاد (i = H)	T_{HP}	T_{HN}							
کم (i = L)	T_{LP}	T_{LN}							

الف-۲-۲۴ مثال‌هایی از مدخل‌هایی با یادآوری‌های مشروط

مثال یادآوری مربوط به مدخل که الزامات دارد
۳-۶ جرم میزان رطوبت نسبت به حجم جرم آب قابل تبخیر تقسیم بر حجم ماده خشک یادآوری ۱- هنگام کاربرد این اصطلاح، شیوه تبخیر آب از یک ماده مرطوب باید توضیح داده شود.

مثال یادآوری مربوط به مدخل که توصیه دارد
۳-۲-۴۷ نقطه شبنم جوی نقطه شبنمی (۳-۲-۱۹۶) که در فشار جوی (۳-۲-۴۸) اندازه‌گیری می‌شود. یادآوری ۱- از اصطلاح «نقطه شبنم جوی» در ارتباط با خشک کردن با هوای فشرده (۳-۲-۱۱۴) نباید استفاده کرد.

مثال یادآوری مربوط به مدخل که اجازه‌ای صادر می‌کند
۳-۱-۷ مجاز، ص تأییدشده طی آزمایشی که در آن یک قطعه (۳-۲-۱۱۱) برای اطمینان از عمر خدماتی مناسب طراحی می‌شود. یادآوری ۱- ارزش بیشینه یا کمینه یا هر دو را می‌توان مشخص کرد.

الف-۲-۲۵ مثال‌هایی درباره شیوه ارائه مثال

۱-۲-۶۳ افشانه وسيله‌ای برای افشاندن مایع به صورت ذرات ریز مثال: حشره‌کش، تثبیت‌کننده مو، حجم‌دهنده مو
--

۴-۱-۱

گاز نجیب

گازی از گروه هجده جدول تناوبی عناصر که تکاتمی است و جز در چند مورد، از نظر شیمیایی بی‌اثر است.
مثال: آرگون، کریپتون، زنون

الف-۲-۲۶ مثال ارجاع متقابل به اصطلاح دیگر

مدخل با قیاس نادرست

۱۴

قسمت رساننده

قسمتی که قابلیت رسانش جریان الکتریکی را دارد.
قس. قسمت رساننده آشکار (۲۸)

یادآوری ۱- با اینکه الزاماً از نظر الکتریکی در شرایط عادی برق‌دار نشده است، شاید تحت شرایط ناقص عایق‌کاری اولیه (۴) از نظر الکتریکی برق‌دار شود.

مدخل ویرایش شده

۱۴

قسمت رساننده

قسمتی که قابلیت رسانش جریان الکتریکی را دارد.

یادآوری ۱- قسمت رساننده آشکار را نیز ملاحظه کنید.
یادآوری ۲- با اینکه الزاماً از نظر الکتریکی در شرایط عادی برق‌دار نشده است، شاید تحت شرایط ناقص عایق‌کاری اولیه (۴) از نظر الکتریکی برق‌دار شود.

الف-۲-۲۷ مثال نمایش اصطلاح به شکل دستوری پایه

۱-۱۳

آمال، ا.ج

آرزوها و خواسته‌ها

الف- ۳ مثال عناصر مختلف در نمایه

اصطلاح پذیرفته..... ۱-۱

اصطلاح مرجح دیگر..... ۲-۱

اصطلاح مرجح..... ۱-۱

اصطلاح(منسوخ)..... ۱-۱

پیوست ب

(اطلاعاتی)

کتابنامه

- 1- IEC Supplement to the ISO/IEC Directives, Annex I, Implementation of the ISO/IEC Directives for the work on the International Electrotechnical Vocabulary (IEV)
- 2 -ISO/IEC Directives, Part 1, Procedures for the technical work
- 3- ISO/IEC Directives, Part 2, Rules for the structure and drafting of International Standards
- 4 -ISO 690, Information and documentation — Guidelines for bibliographic references and citations to information resources
- 5- ISO 1087 (all parts), Terminology work — Vocabulary
- 6- ISO 2145, Documentation — Numbering of divisions and subdivisions in written documents
- 7- ISO 7001:2007, Graphical symbols — Public information symbols
- 8- ISO 10646:2003, Information technology — Universal Multiple-Octet Coded Character Set (UCS)
- 9- ISO 12615, Bibliographic references and source identifiers for terminology work
- 10- ISO 12620:2009, Terminology and other language and content resources — Specification of data categories and management of a Data Category Registry for language resources)
- 11- ISO 15188, Project management guidelines for terminology standardization
- 12 -ISO 16642:2003, Computer applications in terminology — Terminological markup framework
- 13- ISO 24613:2008, Language resource management — Lexical markup framework (LMF)
- 14- IEC 60027 (all parts), Letter symbols to be used in electrical technology
- 15- ISO 80000 (all parts), Quantities and units
- 16- IEC 80000 (all parts), Quantities and units
- 17-ISO/IEC Guide 2:2004, Standardization and related activities — General vocabulary
- 18- International Phonetic Association (IPA) home page: <http://www.langsci.ucl.ac.uk/ipa/>
- 19- International Classification for Standards (ICS), International Organization for Standardization Switzerland, 6th ed., 2005, ISBN 92-67-10405-5